باسمه تبارک

**معرفی 57 کتاب که تاکنون از سوی مقام معظم رهبری مد ظله العالی تقریظ شده اند**

مقام معظم رهبری از میان کتاب‌های مطالعه شده خود تاکنون ۵۷ عنوان را مورد توجه قرار داده و تقریظ کرده‌اند. از این میان، ۴۵ عنوان کتاب را انتشارات سوره مهر چاپ و نشر داده است. تقریظ: ستودن مکتوب، مطلبی است که در تجمید کتاب یا نوشته‌ای می‌نویسند. صفحه تقریظ یا اپیگرام، صفحه و درآمدی ستایش‌آمیز است که بر یک اثر همراه با تأیید و ستایش نویسنده، و نیز معرفی کتاب می‌نویسند و معمولاً در صفحات آغازین کتاب قرار می‌گیرد. تقریظ اغلب شامل بیانیه و مطالبی است مختصر، جالب، به یاد ماندنی و گاهی اوقات تعجب‌آور یا آمیخته به طنز با استفاده از کلمات قصار و امثال و حکم. این سنت ادبی بیش از دو هزار سال قدمت دارد. اما در ایران پس از انقلاب اسلامی از سوی مقام معظم رهبری این سنت از اواخر دهه 60 و ابتدای دهه 70 آغاز می‌شود. حدود 30 سال است که رهبری به عنوان یک مقام والای کشور، فرهنگ و ادبیات را دغدغه خود می‌دانند و توجه ویژه‌ای به کتاب و کتاب‌خوانی دارند. ایشان از هر راهی در تلاش هستند تا فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی به‌خصوص آثار مربوط به انقلاب و دفاع مقدس را گسترش دهند.مقام معظم رهبری پیش از انقلاب به عنوان یکی از چهره‌های فرهنگی علاقه‌مند به حوزه شعر و ادبیات در میان ادبا و فعالان این حوزه شناخته شده بودند. این روحیه هم‌اینک نیز در ایشان دیده می‌شود. روحیه‌ای که سبب می‌شود تا ایشان هر سال به بازدید از نمایشگاه کتاب بیایند و یا نکاتی را در خصوص آثار متعدد بیان کنند. آنچه این روزها از تقریظات ایشان بر آثار متعدد به چاپ می‌رسد، نشان‌دهنده همین روحیه است. به همین بهانه، پایگاه خبری حوزه هنری اقدام به جمع‌آوری آثار تقریظ شده ایشان به همراه متن تقریظات و معرفی هر کدام از آثار پرداخته است. در ادامه این آثار را با هم بررسی می‌کنیم:

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ردیف | نام کتاب | نویسنده | انتشارات | تقریظ مقام معظم رهبری مد ظله العالی | معرفی کتاب |
|  | **«آن بیست و سه نفر»** | **احمد یوسف‌زاده** | **سوره مهر** | **در روزهای پایانی ۹۳ و آغازین ۹۴ با شیرینی این نوشته‌ی شیوا و جذاب و هنرمندانه، شیرین‌کام شدم و لحظه‌ها را با این مردان کم سال و پرهمت گذراندم. به این نویسنده‌ی خوش ذوق و به آن بیست و سه نفر و به دست قدرت و حکمتی که همه‌ی این زیبائی‌ها، پرداخته‌ی سرپنجه‌ی معجزه‌گر اوست درود می‌فرستم و جبهه‌ی سپاس بر خاک می‌سایم.یک بار دیگر کرمان را از دریچه‌ی این کتاب، آنچنان که از دیرباز دیده و شناخته‌ام، دیدم و منشور هفت رنگ زیبا و درخشان آن را تحسین کردم.** | **کتاب آن بیست و سه نفر اثر احمد یوسف زاده حاوی خاطرات بیست و سه نوجوان است که توسط ارتش بعث، در عملیات بیت المقدس به اسارت درآمدند و دیکتاتور عراق سعی داشت از این نوجوانان برای ایجاد جنگ روانی علیه ایران استفاده کند.**  **نگارش این کتاب از روی دست‌‌نوشته‌‌های سال 1370 احمد یوسف زاده و متن فیلم مستند آقای مهدی جعفری صورت گرفته که حاوی ساعت‌‌ها مصاحبه‌ی دکتر محمد شهبا با افراد گروه بیست‌وسه است. از این رو، خواننده می‌‌تواند مطمئن باشد آنچه در این کتاب می‌‌خواند تخیل و قصه‌‌پردازی نیست؛ بلکه روایتی است از آنچه این 23 نفر دیده و از سر گذرانده‌‌اند.** |
|  | **اردوگاه عنبر** | **غلامحسین کهن/ فرهنگ اصلاحی/مهدی گلابی/** | **سوره مهر** | **«تدوین و انتشار خاطرات آزادگان، کاری ماندنی و در شکل بخشیدن به تاریخ ما در آینده دارای تأثیری مخصوص خود است. بعضی از نوشته‌ها از لطف و رقت هم برخوردار است (در این جزوه، قصه‌ی اول و آخر) نکته‌ی جالب، همخوانی ماجراهایی است که در اردوگاه‌های دور از هم و بر سر آدمهای جدا و نا آشنا با هم، آمده است و این است یکی از ثمرات حکومت ظالمانه و جابرانه‌ی حزب و در نهایت، فردی که جز به حفظ خود، به هیچ چیز دیگر و از جمله به ارزش‌های انسانی ذره‌ای و لحظه‌ای نمی‌اندیشد. آبان ماه 1370»** | **در این کتاب سه خاطراه از آزادگان هوانیروز را که در بند ارتش بعثی اسیر بودند می‌خوانیم؛ اسرایی که در اردوگاه‌های «عنبر» و «الرشید» در بدترین شرایط روحی و جسمی قرار داشتند. تحمل و صبر این رزمندگان آزادگان در برابر شكنجه‌های کشنده بعثی‌ها، ارتباطات اسیران با هم و با زندانبانان خواندنی است. نویسنده در معرفی کتاب بخشی را با عنوان «دربارگاه جانان» آورده است، این روایت به ماجرای زیارت اسیران ایرانی در حرم امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) و شکنجه آن‌ها توسط نیروهای بعث عراق اشاره دارد.** |
|  | **از الوند تا قراویز** | **حسین بهزاد/ گلعلی بابایی** | **بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس** | **«به این دو برادر بلندهمت آفرین می‌گویم و از زحمات باارزش ایشان تقدیر می‌کنم و به فتوحات آینده‌شان دل می‌بندم.»** | **كتاب «از الوند تا قراويز» جلد یکم از مجموعه كتاب‌هاي کارنامه عملياتي استان همدان است كه توسط «حسين بهزاد» و «گلعلي بابايي» تدوين و نوشته شده است. كتاب «از الوند تا قراويز» دارای هشت سرفصل است كه فصل نخست آن به معرفي استان همدان و چگونگی شكل گيري نهضت امام خميني(ره)، فصل دوم به شروع درگيري‌هاي كردستان و اعزام رزمندگان همدان به كردستان و بررسي اتفاقات اخير، فصل سوم به اتفاقات آن زمان استان همدان (قبل از شروع جنگ تحميلي)، فصل چهارم به كردستان و ماجراي آزادسازي سنندج، فصل پنجم به ماجراي كودتاي نوژه و چگونگي شكل گيري شبكه براندازي و مقابله با آن، فصل ششم به تشكیل جبهه همدان و شكست كودتاي نقاب و شكست اقدامات آمريکا در طبس، فصل هفتم به موضوع آغاز كننده اصلي جنگ و حمايت آمریكا و شوراي روابط خارجي و فصل هشتم به چگونگي شكل گيري آرايش نظامي عراق براي حمله به ايران اختصاص دارد. جنگ ايران و عراق نيروي مردمي بود و تمامي اقشار كشور در آن نقش مهمي داشتند. در كتاب «از الوند تا قراويز» به علل شكل‌گيري تشكل‌هاي مبارز در همدان، پيش از انقلاب و نقش شهيد آيت الله سيد اسدالله مدني پرداخته شده است. در بخش مهمي از اين كتاب حوادث كودتاي 18 تير سال 1359 معروف به كودتاي نوژه، چگونگي شكل‌گيري گروهك‌هاي ضد انقلاب در خارج از ايران و نقش مبارزان همدان در دستگيري و خنثي كردن كودتا بيان شده است.** |
|  | **آب هرگز نمی‌میرد** | **حمید حسام** | **سوره مهر** | **بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیمسلام بر یاران حسین (علیه‌السّلام) و سلام بر لشکر انصارالحسین همدان؛ و سلام بر شهیدان، دلاوران، فدائیان، شیران روز و عابدان شب؛ و سلام بر شهید زنده میرزا محمد سُلگی و بر همسر باایمان و صبور او؛ و سلام بر حمید حسام که دردانه‌هایی چون سُلگی و خوش‌لفظ را به ما شناساند. ساعتهای خوش و باصفائی را با این کتاب گذراندم و بارها با دریغ و حسرت گفتم:درنگی کرده بودم کاش در بزم جنون من هم / لبی تر کرده زان صهبای جام پرفسون من هم هزاران کام در راه است و دل مشتاق و من حیران / که ره چون می‌توانم یافتن سوی درون من هم ...در میان کتابهای خاطرات جنگ، این، یکی از بهترین‌ها است. نگارش درست و قوی، ذوق سرشار، سلیقه و حوصله، همّت بلند، همه با هم دست به کار تولید این اثر شده‌اند. کتاب خانم ضرّابی در شرح حال شهید عالی‌مقام علی چیت‌سازیان نیز دارای همین برجستگی‌ها است. این دو نفر از ستارگان اقبال همدانند.** | **«آب هرگز نمی میرد» اسلوبی تازه و طرحی نو در تاریخ شفاهی است که با محوریت خاطرات سردار میرزا محمد سلگی و روایت جمعی از رزمندگان گردان حضرت ابوالفضل و چهار فرمانده لشکر انصار الحسین(ع) به سامان رسیده است که این روش برای جامعیت روایت با توجه به اینکه راوی روایت خاطرات خود را حدیث نفس می دانست انجام شد. استشمام عطر علقمه را از خاطرات علمدار گردان حضرت ابوالفضل(ع) در این کتاب می‌توان دریافت.فصل اول کتاب به معرفی راوی و نحوه بزرگ شدن او در خانواده ای مذهبی در روستا و ارادت مردم لر زبان این خطه به حضرت ابوالفضل(ع) و شخصیت‌های عاشورایی می‌ پردازد. در بخشی از فصل دوم راوی از روستا برای کار نقاشی ساختمان به همراه برادرش به تهران سفر می‌ کند در بخش هایی از این قسمت به دوران انقلاب و فرهنگ حاکم در پوشش زنان و دختران و فرهنگ غربی نیز اشاره می‌ شود که در شهر فرنگ، تهران آن زمان حاکم بود و راوی در سال 54 عازم خدمت سربازی می‌ شود و در سایر فصول نیز به فعالیت ها و مصاحبه های انجام شده و عملیات‌ های آن دوران پرداخته می‌ شود.** |
|  | **آتش به اختیار** | **حجت ایروانی** | **سوره مهر** | **«در نوشته ی حجت ایروانی کوشش پرمرارت و تحمل طلب نیروهای دیدبان به خوبی تشریح شده است. نمی دانم کدام یک از شما آن کتاب مربوط به امدادگران را نوشته‌اید. من دیدم که این کتاب واقعا چقدر لازم است. معلوم بود که این فرد خودش امدادگر بوده است. بدون اینکه آدم امدادگر باشد، نمی‌تواند مطلبی بنویسد. یا آن کس که کتاب آتش به اختیار را نوشته است، پیدا بود که قاعدتاً باید دیده بانی را ... حس کرده باشد.»** | **مجموعه «آتش به اختیار» خاطراتی است از دیده بانان که در طول ایام پرفراز و نشیب جنگ به وظیفه حساس خود عمل کرده اند. در واقع در این مجموعه به سرگذشتی از دیده بانان سیار و نفوذی اختصاص دارد؛ کسانی که در عملیات کربلای 5 کارآیی خود را به اثبات رساندند و از نظر تکنیکی و تاکتیکی مهارت کافی داشته اند. خود نویسنده کتاب یکی از دیده‌بانان روزهای جنگ بوده است. و این خاطرات که پیش از این دو خاطره آن در کتاب‌های «آلواتان» و «ت په‌های لاله سرخ» چاپ شده بود حرف‌های به یاد مانده او از پشت همان دوربین‌های خرگوشی و پریسکوپ است.** |
|  | **بابانظر** | **: سید حسین بیضایی** | **سوره مهر** | **«بابانظر که یک جوان کم سوادی بوده رفته جنگ، فرماندهی کرده و سال ها در جنگ بوده و بعد هم جانباز شده و شهید شده است، شرح حال را خودش گفته؛ این کتاب شد. یک داستان مفصل شد.** | **«بابانظر که یک جوان کم سوادی بوده رفته جنگ، فرماندهی کرده و سال ها در جنگ بوده و بعد هم جانباز شده و شهید شده است، شرح حال را خودش گفته؛ این کتاب شد. یک داستان مفصل شد.** |
|  | **پا به پای باران** | **مرتضی سرهنگی/ هدایت الله بهبودی** | **سوره مهر** | **این هر دو نوشته، گویا، پر سوز، دردمندانه و هنرمندانه است. دست این عزیزان درد نکند که درد دل غریبانه‌ی یک شهر ، بلکه یک ملت را چنین پرمهر و دلسوز ، روایت می‌کنند. تاریخ ما بعدها نه فقط خرمشهر و جوان‌ها و پدر و مادرهای مقاوم آن را، که این دل‌ها و وجدان‌های بیدار و حق‌جو و حق‌گو را نیز، ستایش خواهد کرد که نگذاشتند قصه جهادی به آن عظمت در لابه لای یاو‌ه‌گویی‌ها و هرزه‌درایی‌های زمانه گم شود. درود بر بهبودی‌ها و سرهنگی‌ها. سوم رمضان 1412 - 18 اسفند70»** | **این هر دو نوشته، گویا، پر سوز، دردمندانه و هنرمندانه است. دست این عزیزان درد نکند که درد دل غریبانه‌ی یک شهر ، بلکه یک ملت را چنین پرمهر و دلسوز ، روایت می‌کنند. تاریخ ما بعدها نه فقط خرمشهر و جوان‌ها و پدر و مادرهای مقاوم آن را، که این دل‌ها و وجدان‌های بیدار و حق‌جو و حق‌گو را نیز، ستایش خواهد کرد که نگذاشتند قصه جهادی به آن عظمت در لابه لای یاو‌ه‌گویی‌ها و هرزه‌درایی‌های زمانه گم شود. درود بر بهبودی‌ها و سرهنگی‌ها. سوم رمضان 1412 - 18 اسفند70»** |
|  | **پایی که جا ماند** | **سید ناصر حسینی پور** | **سوره مهر** | **«تاکنون هیچ کتابی نخوانده و هیچ سخنی نشنیده‌ام که صحنه‌های اسارت مردان ما در چنگال نامردمانِ بعثی عراق را، آن چنان که در این کتاب است به تصویر کشیده باشد. این یک روایتِ استثنائی از حوادث تکان‌دهنده‌ای است که از سویی صبر و پایداری و عظمت روحی جوانمردانِ ما را، و از سویی دیگر پسَتی و خباثت و قساوت نظامیان و گماشتگان صدام را، جزء به جزء و کلمه به کلمه در برابر چشم و دل خواننده می‌گذارد و او را مبهوت می‌کند. احساس خواننده، از یک سو: شگفتی و تحسین و احساس عزت است، و از سوی دیگر: غم و خشم و نفرت. 2/ 6/91»** | **آنچه از کتاب «پایی که جا ماند» بر می‌آید روایت صادقانه‌ سیدناصر حسینی‌پور است که هیچ ادعایی در نویسندگی ندارد. از رفقا شنیدم که به شوخی از سید ناصر پرسیده‌اند چرا شهید نشده است و او رندانه جواب داده بود: چون به دو چیز دل بسته بودم؛ یکی دوربین دیده‌بانیم و دیگری یادداشت‌های روزانه‌ام. این کتاب هشتصد صفحه‌ای خاطرات روزانه یک اسیر قطع عضو ایرانی است. این کتاب مقاومتِ صد و نوزده شهید را در یک محاصره و جنگ تمام‌عیار در جزیره مجنون نشان می‌دهد. این کتاب در حقیقت تصویری است از سرگذشت نامه یک نیروی اطلاعات و عملیات که لو رفته است و گوشه ای از سرگذشت‌نامه اسرای مجروح ایرانی است در زندان‌های مخفی عراق و در بیمارستان الرشید بغداد. در فصل‌های پایانی کتاب زندگی اسرای مفقودالاثر ایرانی را در اردو گاه‌های تکریت به تصویر می‌کشد و شمه‌ای از مظلومیت اسرای مفقودالاثر را نشان می‌دهد، در اردوگاهی که وقتی بچه‌ها از ستوان قحطان، معاون اردوگاه شانزده تکریت، می‌پرسیدند: «سیدی! ما کی آزاد می‌شویم؟ » و ستوان قحطان می‌گفت: «هر وقت دیدید مردی حامله شد، شما هم آزاد می‌شوید. » یعنی شما هیچ وقت آزاد نمی‌شوید چون مردان باردار نمی‌شوند.** |
|  | **پرواز شماره 22** | **عصام عبدال وهاب‌الزبیدی/ ترجمه محمدحسین زوارکعبه** | **سوره مهر** | **«در 27 / 3/ 71 مطالعه شد. این کتاب از جهت ارائه اطلاعاتی درباره نیروی هوایی عراق و برخی مسائل جنبی خالی از فایده نیست. اشتباه گرفتن دزفول به‌جای العمارة نقطه شیرین و جالب داستان است.»** | **این کتاب مشتمل بر یادداشت‌ها و خاطرات خلبانان اسیر شده عراقی، عصام عبدالوهاب الزبیدی است. این خلبان در طول دوران جنگ تحمیلی توسط ایرانی‌ها اسیر شده بود و بخشی از خاطرات خود را در زندان نوشت. این خلبان در این کتاب در مورد رژیم بعث و شرایط نظامیان عراقی به توضیح می‌پردازد. در طول دوران 8 سال دفاع مقدس، عراقی‌های بسیاری به دست ایرانیان اسیر شدند. بسیاری از این اسرا در ایران شیعه شدند و حتی برخی از آن‌ها بعد از جنگ در ایران باقی ماندند و در ایران به زندگی خود ادامه دادند.** |
|  | **پنجره‌های تشنه** | **مهدی قزلی** | **سوره مهر** | **«بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم‌**  **این حسین کیست که عالم همه دیوانه‌ى اوست‌ این چه شمعی است که جانها همه پروانه‌ى اوست‌**  **اى شعله‌ى فروزان، اى فروغ تابان، اى گرمابخش دلهاى خلایق! تو کیستى با این شکوه و جلال، با این شیرینى و دلنشینى، با این هیبت و اقتدار، با این‌همه لشکر دل‌به‌همراه، با غلغله‌ى فرشتگان که در کنار موکب تو با آدمیان رقابت میکنند؟ تو کیستى اى نور خدا، اى نداى حقیقت، اى فرقان، و اى سفینةالنجاة؟ چه کرده‌اى در راه خدایت که پاداش آن خدائى‌شدنِ هر آن چیزى است که به تو نسبت می‌رساند؟ بنفسى انت، بروحى انت، بِمُهجَةِ قلبى انت، و سلام الله علیکَ یومَ وُلِدتَ و یوم اُستُشهِدتَ مظلوماً و یوم تُبعَثُ فاخِراً و مَفخَراً. ۹۳/۲/۲۹**  **بسیار خوب و با ذوق و سلیقه نوشته شده است؛ و با نگاه هنرمندانه و کنجکاو و نکته‌یاب. خواندم تا ۹۳/۲/۲۸.»** | **روزنوشت های انتقال ضریح جدید امام حسین علیه السلام از قم به کربلا مرحوم حاج محمد دانش آشتیانی یکی از خیّرین قمی بود که بعد از فروپاشی نظام صدام راه عتبات را در پیش گرفت و خدمتگزار آستان مقدس معصومین مدفون در عراق شد؛ از بردن لوستر و فرش برای حرم‌های ائمه گرفته تا برگزاری مراسم جشن و عزادارای در آنجا. رفت‌وآمدهای عاشقانه‌اش در این مسیر باب رفاقتی بین او و متولیان عراقی، به‌ویژه مسئولان حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام گشود.در سال 1384 حاج محمد از طریق دوستانش در آستان قدس حسینی مطلع شد که تولیت، به دلیل فرسودگی ضریح مطهر و تعدی متجاوزان بعثی به آن، قصد دارد ضریح جدیدی بسازد و جایگزین ضریح فعلی کند.«پنجره‌های تشنه»، حاصل روایتگری مهدی قزلی از اتفاقی است که شاید هر صد سال یک بار رخ دهد. کتابی با «ادبیات ساده و بی‌غل و غش»، درست مانند تمام شخصیت‌ها و کاراکترهایی که در صفحه صفحه‌ کتاب می‌آیند و خود را به «ضریح حسین علیه‌السلام» می‌رسانند و تبرک می‌جویند و می‌روند.** |
|  | **پیشانی شیشه‌ای** | **محمد طیب** | **سوره مهر** | **«در 9/ 11 / 69 مطالعه شد. یکی دو نوشته آن بسیار خوب و همه مجموعا یکی از آثار خوب است.»** | **کتاب حاضر, مجموعه چهار داستان کوتاه در ارتباط با جنگ است که به قلم محمد طیب نگارش شده است و یکی از داستان‌های این مجموعه «خط خطا» نام دارد. پزشکی که در یکی از بیمارستان‌ها مشغول کار است روزی با جوانی روبه‌رو می‌شود که بر اثر سانحه تصادف به بیمارستان منتقل شده است. پزشک درمی‌یابد که او یکی از دانشجویان سابقش بوده که حمید نام دارد. حال حمید رو به وخامت می‌رود و پزشک در این اثنا خاطراتی را که با حمید داشته از نظر می‌گذراند. او به یاد می‌آورد روزی را که عازم جبهه بوده، در آن هنگام حمید و مادرش را در راه می‌بیند. حمید از او می‌خواهد که وساطت کرده مادرش را راضی کند تا برای بازدید جبهه‌ها برود. اما مادر به این کار راضی نمی‌شود. اکنون, پس از گذشت چندی از آن واقعه, آخرین لحظات حیات خود را سپری می‌کند.** |
|  | **تپه‌های لاله سرخ** | **غلامرضا نباتی** | **سوره مهر** | **«از این کتاب، آخرین نوشته یعنی تپه‌های لاله سرخ از همه شیرین‌تر و دقیق‌تر است. نوشته شهید هم که طلوع دوباره نام گرفته، عطر شهادت و اخلاصش محسوس است. و هر سه نوشته یادبودهای با ارزش از جنگ و ایثار هشت ساله است. در نوشته‌ی حجت ایروانی کوشش پر مرارت و تحمل‌طلب نیروهای دیده‌بان به‌خوبی تشریح شده است. خدایا بهترین پاداش خود به صالحان را به این جوانان پاک عطا کن. و ما را نیز از آن عشق و اخلاص سهمی عنایت فرما. آمین. 14 / 12 /70»** | **اثر حاضر، نخستین كتابچه مستقل منتشر شده درباره زندگی «سهام خیام» است. در این پژوهش كه بر اساس مصاحبه شفاهی با پدر، مادر، خواهر و شاهدان عینی شهادت سهام خیام و مراجعه به برخی اسناد آرشیوهای منتشر نشده و كتاب‌ها و مجلات انجام گرفته، زندگی كوتاه این دانش‌آموز دوازده ساله كه در سال 1359 در هویزه و با اصابت گلوله به پیشانی به شهادت رسیده است، روایت می‌شود. در بخش پایانی نیز، تصاویری از سهام خیام و خانواده‌اش و شهر هویزه ضمیمه شده است.** |
|  | **تَن تَن و سندباد** | **محمد میرکیانی** | **قدیانی** | **«بسم‌ الله‌ الرّحمن‌ الرّحیم من هم همین قصّه را همیشه تعریف می‌کردم! حیف که خیلی‌ها آن را باور نداشتند. حالا خوب شد، شاهد از غیب رسید! راوی این حکایت که خود همه چیز را به چشم خود دیده، حکایت تن‌تن و سندباد را چاپ کرده است. حالا دیگر کار من آسان شد! همین بس است که نسخه‌ی این کتاب را به همه‌ی بچه‌ها بدهم«...** | **«تن‌تن و سندباد» نوشته محمد میرکیانی از معدود آثار قابل دفاع در حوزه کودکان و نوجوانان است که بیش از بیست‌وپنج سال پیش به رشته تحریر درآمد.داستان این کتاب از آنجا آغاز می‌شود که گروهی از قهرمان‌های داستان‌های غربی به رهبری تن‌تن- چهره معروف قصه‌های غربی که داستان‌های آن از اول برای باشکوه جلوه دادن استعمار اروپاییان به‌ویژه انگلیس منتشر شد- راهی سرزمین‌های مشرق زمین می‌شوند تا بتوانند با آن‌ها بجنگند و شکست‌شان بدهند. در این‌سوی ماجرا قهرمان‌های مشرق زمین به رهبری سندباد به مقابله با آن‌ها می‌روند و درنهایت سندباد ویارانش موفق می‌شوند که می‌توانند آن‌ها را شکست دهند.** |
|  | **تیپ 83** | **محمدعلی دیباجی** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، شرح خاطرات طلاب رزمنده جوان که ضمناً شرح گوشه‌هایی هرچند کوتاه از مجاهدات معصومانه آنان نیز هست، در این کتاب با قلمی و تقریری شیوا به نگارش آمده است. این شیوه‌ی نو است که روایت از کسی و تقریر از کس دیگری باشد. این قلم اگر پخته‌تر شود بسی شیواتر خواهد شد. خیلی از خواندن این کتاب محظوظ شدم، چون روحانی در این کتاب درس دین و معرفت را در خطرناک‌ترین جاها می‌دهد و در آزمایش‌های دشوار زندگی با مردم شریک می‌گردد. این طلبه‌های جوان و خوش روحیه‌اند که اگر مدارج تحصیل را طی کنند رهبران برجسته باب انقلاب و جمهوری اسلامی خواهند شد و روحانیون پرچمدار دین زندگی‌ساز. حوزه‌ی علمیه بی‌شک از پرورش چنین طلاّب و روحانیونی به خود می‌بالد و احساس رضایت از انجام وظیفه‌ی تاریخی خود که همواره بحمدالله بدان موفق بوده است می‌کند. تصادف جالبی بود که توفیق مطالعه این کتاب در ایام 15 شعبان و مابعد آن که به‌زیارت قم رفته بودم، دست داد.»** | **مبارزه روحانیون در جبهه‌های هشت ساله‌ ما مردانه بود. یکدست و یکرنگ، درست مثل دل بسیجی‌ها؛ بسیجی‌هایی که رو به دل امام خویش «قنوت عشق» می‌گرفتند. «تیپ 83 » نام کتابی است که ما را به دیدار بعضی از آن مردانگی‌ها می‌برد. این کتاب، دومین مجموعه از خاطرات روحانیون رزمنده است که از طرف واحد ثبت خاطرات تیپ مستقل 83 امام جعفر صادق(ع) روحانیون رزمی- تبلیغی (در سال 1370) تهیه، جمع بندی و تدوین شده است . تمام مطالب کتاب «تیپ 83 »، بر اساس گفته راویان نگاشته شده است. سید محمدعلی دیباچی آن را تقریر کرده و در 12 قسمت و 107 صفحه، خواندنی کرده است.** |
|  | **جدال در زیویه** | **شهید محمدتقی مشکوری، عباس پاسیار، ولی صابری و حمید حسینی** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، چند ساعتی از شب و روزهای ایام مبارک شهرالله به خواندن این خاطرات گذشت. با اینکه آدم‌های متفاوت، از جاها و قضایای متفاوت و در زمان‌های متفاوت، و همه بی‌خبر از یکدیگر گفته و نوشته‌اند، محصول همه‌ی این خاطرات یک چیز است: همه از عظمت حادثه‌ی هشت ساله‌ی دفاع مقدّس و تحوّل شگرفی که در دل و جان و فکر و عمل جوانان این کشور پدید آورده بود، خبر می‌دهند و ابعاد بی‌نهایت این معجزه الهی تاریخ را بتقریب نشان می‌دهند. دریغ از آن روزهای فراموش نشدنی، دریغ از آن ماجرای معجزنشان، دریغ از آن تجربه درس‌آموز و جان‌های پاکی که آن را شکل دادند. و دریغ از آن جویبار رحمت و فضل خدا که کسانی چه زیرکانه و هوشمندانه از آن نوشیدند. خوشا به حال آنان و افسوس بر جان‌های محرومی که در سرنوشت‌شان بهره از آن لطف بی‌حساب رقم نخورده بود. آنانکه بهره‌مند شدند، به گذشت و مجاهدت و موقع‌شناسی و البته به توفیق حق این نعمت را یافتند. و ما آیا نباید با هوشمندی و زیرکی جویبار رحمت را که هرگز منقطع نیست و هرگاه به گونه‌ای و در مجرایی بشناسیم و با گذشت و مجاهدت، توفیق الهی را جلب و خود را از آن سیراب سازیم؟.. در میان این چند نوشته، نوشته‌ی شهید از همه معطّرتر و معنوی‌تر و مؤثرتر است و نوشته‌ی «ولی صابری» از همه زیباتر و هنرمندانه‌تر 23 / 12 /70»** | **کتاب حاضر در چهار بخش تدوین شده است. در بخش نخست، خاطرات شهید محمدتقی مشکوری (که به عنوان تخریبچی در جبهه‌ها حضور داشته) تحت نام «یک بال و صد پرواز » آمده‌ است. در این خاطره، نحوه حرکت مین‌گذارها در هنگام عملیات، شجاعت این عزیزان، ملاقات یکی از مجروحان با امام زمان (عج) و شهید شدن بسیجیان تخریبچی در میدان‌های مین وصف شده است. در بخش دوم، خاطرات عباس پاسیار از جبهه‌های کردستان به چاپ رسیده است. در این خاطره، مبارزه برای آزادسازی بانه و سردشت از دست کومله و نبرد در منطقه زیویه تشریح شده است. بخش سوم، خاطرات ولی صابری تحت عنوان «دژ انصار» است که به فتح شلمچه و بیرون راندن دشمن از دژ مرزی و شهادت گروهی از بسیجیان اختصاص دارد. در بخش چهارم، خاطرات حمید حسینی در مورد عملیات کربلای چهار و شناسایی مناطق اطراف شلمچه آمده است.** |
|  | **جشن حنابندان** | **محمدحسین قدمی** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، روز و شبی چند در لحظه‌های پیش از خواب، در فضایی عطرآگین و مصفّا و در معراج شور و حالی که سطور و کلمات نورانی این کتاب به خواننده خود عطا می‌کند، سیر کردم و خدا را سپاس گفتم، هم برآن قطره عشقی که در جان این نویسنده افکنده و چنین زلال اندیشه و ذوقی را بر قلم او جاری ساخته است، و هم بر آن دست قدرتی که نقشی چنان بدیع و یکتا بر صفحه تاریخ معاصر پدید آورده و صحنه‌هایی که افسانه‌وار از ذهن و چشم بشر این روزگار بیگانه است، در واقعیت زندگی این نسل از ملت ایران نقش زده است. له الحمد حمد الحامدین ابد الآبدین. بیشتر فضیلت‌هایی که تاریخ انسان را زیور بخشیده و آرایش داده و مشعل و راهنمای افراد بشر شده است محصول لحظه‌ی پرباری از زندگی یک یا چند انسان است، صبر، زهد، امتناع، گذشت، شجاعت، صدق، ایثار،... و همه فضائل بشر که در سرگذشت او می‌بینیم از این قبیل است. هزاران لحظه‌ی پربار در هر روز و شب حماسه‌ی هشت ساله‌ی ملت ایران مکنون است و هر که با نگاهی هنرمندانه آنها را ببیند و با قلمی هنرمندانه آن را ثبت و ماندگار کند و پیش از اینها، با توفیقی الهی به این همه دست یافته باشد، مشعل رهروان معراج انسانی را جانمایه و فروغ بخشیده است، و این کتاب و نویسنده‌اش در آن زمره‌اند 6/ 11 /70»** | **گزارش‌نویسی زبان دقیقی است برای بیان یک حادثه. در میان تمامی شیوه‌های معمول برای نگارش، استفاده کردن از گزارش‌نویسی، بهترین راه برای انتقال یک حادثه از محل وقوع آن تا دور‌دست‌ها است. یک گزارشگر سعی می‌کند با یاری جستن از جزئی‌ترین اطلاعات موجود در محل حادثه، کامل‌ترین تصویر را در قالب کلمات ارائه دهد. کتاب «جشن حنابندان » شامل ۲ گزارش از دو عملیات در مناطق جنوب و غرب کشور است که محمدحسین قدمی این گزارش‌ها را از میان خاطرات رزمندگان «لشکر ۲۷ محمد رسول الله » گردآوری کرده است. گزارش اول کتاب در طول عملیات کربلای ۵ نوشته شده و گزارش دوم آن که مربوط به عملیات بیت المقدس ۴ و در مناطق غربی کشور و بخشی از خاک عراق است، به سفارش شهید سید مرتضی آوینی و برای مجموعه‌ی روایت فتح نوشته شده است. خاطرات مورد استفاده‌ی نویسنده در این کتاب، اغلب کوتاه و با زبانی ساده و صمیمی بیان شده است؛ به طوری که خواننده از خواندن آن خسته نمی‌شود؛ چراکه هر موقعیت و لحظه‌ای را دقیق و خلاصه مطرح کرده و از شرح جزئیات اضافی پرهیز کرده است. خاطرات رزمندگان در شب‌های قبل از عملیات و شوخی‌ها و حالات و روابطی که تنها و تنها در آن موقعیت‌ها اتفاق می‌افتاد به خوبی در این گزارش‌ها به تصویر کشیده شده است. محمدحسین قدمی که سال‌ها معلمی کرده است، سال ۱۳۵۴ فعالیت فرهنگی خود را به سفارش شهید محمدعلی رجایی آغاز کرده است. او از سال ۱۳۶۷ به جمع نویسندگان دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری پیوست و از سال ۱۳۷۱ مسئولیت برنامه‌ «شب خاطره دفاع مقدس » این دفتر را عهده‌دار شد. وی در حال حاضر مشغول نگارش خاطرات شخصی خود از سال ۱۳۶۳ تا وقایع نگاری در جنگ ۳۳ روزه در لبنان است.»** |
|  | **جنگ پابرهنه** | **رحیم مخدومی** | **سوره مهر** | **« بسم الله الرحمن الرحیم، این انعکاسی از رنج‌های مردم پابرهنه است که بخصوص در مقایسه با فداکاری همین مردم ، بسی جانکاه و تلخ و ناپذیرفتنی می‌نماید. و وقتی روح لطیف و حساسی منظره این هر دو را به چشم دیده بلکه با آن زیسته باشد، با زبانی به همان تلخی آن را روایت می‌کند و البته توسن خیال اهل هنر همیشه و در همه‌ی میدان‌ها از واقعیت پیشی می‌گیرد. در روایت‌های دیگر از همین جبهه و همان خط و در مقابله با همان دشمن ، چیزی از همه برجسته‌تر است و شیرین‌تر ، و آن ، تواضع و چندان ندیدن کار خود در مقابل کار دیگرانی که باری آنان نیز در جبهه‌هایی دیگر اما باز در برابر همان دشمن و بعشق همان خدا، تلاشی کرده و عرقی ریخته‌اند، اگرچه خطر در همه میدان‌ها یکسان نیست. و همه کسانی را که فیض آن جبهه را نبرده‌اند، اهل دنیا و دلبسته به تعلقّات آن ندانستن، و زحمت و مرارتی را که خود برای خدا برده‌اند بر سر دیگران خرد نکردن. و این صفت پاکان و پارسایان است. این خصوصیت در این نوشته که از جهات بسیار: زبان، تصویر، پردازش، و بخصوص استفاده خوب از آیات قرآن، خیلی خوب است، به چشم نمی‌خورد.. و افسوس دیگر آنکه فرق است میان اینکه کسی از بسته شدن دروازه‌ی جهاد و شهادت غمگین شود و حسرت بخورد امّا با این حال از عمل به وظیف‌های که مصلحت اسلام و مسلمین بر دوش همه نهاده خرسند باشد، و اینکه کسی اصل را بر تشخیص خود اگر نگوییم میل خود نهاده و قبول ختم جنگ را خیانت و کار شیطان و توطئه‌ی دشمن بداند.. و حتی به اشاره‌ای امام و خاصان او را هم مستثنی نکند.. در این کتاب شق اوّل دیده نمی‌شود. شب جمعه 9/ 12 /70»** | **کتاب «جنگ پا برهنه» نوشته رحیم مخدومی شامل 24 خاطره راوی از مقاطع مختلف جنگ و از جمله عملیات‌های والفجر 8 و کربلای 5 است که با محوریت بیان دشواری‌های زندگی رزمندگان در دوران دفاع مقدس بیان شده است. شاید معرو ف‌ترین اثر مخدومی که می‌توان آن را به نوعی هم داستان بلند گفت و هم سفرنامه‌ای به مناطق جنگی (چرا که به زبان اول شخص بیان شده است) «جنگ پابرهنه » باشد. در این اثر، مخدومی هر از گاهی با توصیفات خود، خواننده را شیفته حال و هوای جبهه‌ها می‌کند و از سیر داستان خارج و به توصیف پیرامون خود می‌پردازد. این در حالی است که نه تنها رشته کلام از دست نمی‌رود، بلکه برای نسل جوانی که با فضای جنگ آشنا نیست، بیشتر جذاب است.** |
|  | **جنگ خیابانی** | **سید نظام مولاهویزه** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، تلخ است و شیرین. اینکه ملت مظلوم عراق و اینبار نیز مثل بیشتر دفعات قبل، شیعیان قیام کرده و شهامت ورزیده و بر دشمن ضربه وارد کرده‌اند، شیرین است. اما اینکه اینبار هم دست خباثت سلطه‌گران بین‌المللی، بر تخت قدرت نشستگان را از انقلابیون برای خود مفیدتر یافته و بنحوی ولو غیر مستقیم به آنان برای سرکوب اینان کمک رسانده‌اند، تلخ است. تلخ است خواندن و شنیدن و حسّ کردن نومیدی ملتی پس از امیدی نزدیک.. و آنگاه مصیبتی که در مظلومیت و مغلوبیّت می‌کشند. رجب 1412»** | **«جنگ خياباني» تلاش محدودي است که در حد توان به شرح و بيان جوانب گوناگون يک حادثه پيچيده و ريشه‌دار پرداخته است. مجموعه مصاحبه‌هايي که عده زيادي از پناهندگان عراقي درباره قيام مردم عراق پس از جنگ نفت شده، کتاب جنگ خياباني را تشکيل داده است. سيد نظام مولا هويزه در کتابش، به قيام مردم جنوب عراق پرداخته و این‌طور نوشته است که پرداختن به قيام مردم شمال عراق مجال گسترده‌تر را مي‌طلبد.** |
|  | **حماسه هویزه** | **نصرت‌الله محمودزاده** | **شهید کاظمی** | **«سراسر دوران جنگ سرشار از ماجراهای رویا‌گونه‌ی این راهیان شب‌ و شیران روز است، و گروه شهیدان هویزه از برجسته‌ترین آنان‌اند. بی‌شک اگر لحظات پر معنا و پر ماجرای هر یک از این شهادت‌ها ثبت می‌شد و - چنان که در این یادداشت‌ها آمده- به چشم می‌آمد، غنی‌ترین میراث معنوی برای تاریخ به جا می‌ماند. این نوشته ها را که در نوع خود، بسیار کم نظیر است، باید قدر دانست و کوشش فراهم آورنده آن را ارج نهاد.»** | **کتاب سفر سرخ که چاپ اول آن در سال 1376 و چاپ پنجم آن در پاییز 1387 منتشر شده است زندگی‌نامه داستانی درباره وقایع، سرگذشت، خاطرات و یادداشت های شهید سیدحسین علم الهدی است. کتاب که زوایای مختلف زندگی شهید علم الهدی را از کودکی تا آغاز مبارزات انقلاب، از حلقه های مطالعاتی تا فعالیت در منطقه و نقش آفرینی به عنوان یک هسته ی فرهنگی اجتماعی و تا مبارزات دانشجویی در مشهد و سخنرانی در خوزستان و در نهایت جهاد و شهادت در هویزه را شامل می‌شود.صحنه پردازی‌های دقیق از شکنجه یک کودک خردسال در زندان ستم‌شاهی تا محیط خانوادگی روحانی تا لحظه های حساس نظامی که ویژگی عموم نثرهای محمودزاده است در این کتاب نیز نمود عینی یافته است و خواننده را در روابط مختلف ۱۳ فصل کتاب بدون وقفه برای به پایان بردن داستان رهنمون می‌سازد. کار تحقیقی جدی صورت گرفته در این کتب که بر پایه ی اطلاعات موجود از شهید تا مصاحبه با شخصیت های مختلف حتی رهبر معظم انقلاب سامان یافته است به این مجموعه ۳۸۸ صفحه ای وزانت دو چندان داده است.** |
|  | **خاک‌های نرم کوشک** | **سعید عاکف** | **ملک اعظم** | **«الان چند سالی است که کتاب‌هایی درباره سرداران و فرماندهان باب شده و می‌نویسند. بنده هم مشتری این کتاب ها هستم و می‌خوانم. بعضی از این‌ها را من خودم از نزدیک می‌شناختم؛ آنچه درباره‌شان نوشته شده، روایت‌های صادقانه و بسیار تکان دهنده است. این هم حالا آدم می‌تواند کم و بیش تشخیص بدهد کدام مبالغه آمیز است و کدام صادقانه است. آدم می‌بیند برخی از این شخصیت‌های برجسته، حتی در لباس کارگر به میدان جنگ آمده‌اند؛ این اوستا عبدالحسین برونسی، قبل از انقلاب یک بنّا بود و با بنده هم مرتبط بود. شرح حالش را نوشته‌اند. من توصیه می‌کنم و واقعا دوست می‌دارم شماها بخوانید. اسم این کتاب، خاک‌های نرم کوشک است؛ قشنگ هم نوشته شده است.»** | **خاطرات اوستا عبدالحسین برونسی به نقل از خانواده و همرزمان شهید؛ این کتاب شرح حال انسانی وارسته است که قبل از انقلاب در روستای گلبوی کدکن از توابع تربت حیدریه به کار سخت و طاقت فرسای بنایی مشغول بود و در کنار آن به خواندن دروس حوزوی نیز روی آورده بود تا اینکه بعدها به علت شدت یافتن مبارزات او زندانی و مورد شکنجه‌های وحشیانه ساواک قرار گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران زمینه‌های لازم برای رشد او مهیا شد و چنان لیاقتی از خود نشان داد که زبانزد همگان شد و نامش حتی در محافل خبری استکبار جهانی نیز راه یافت. رمز رستگاری شهید برونسی عبودیت و بندگی بی قید و شرط او در مقابل حق و حقیقت بوده است.** |
|  | **خداحافظ کرخه** | **داوود امیریان** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، این کتاب شیرین و از کارهای مهمی هم که در این عملیات انجام گرفته، این‌ها را همین طور از رو می‌دانیم: از اروند عبور کردند، فاو را گرفتند، کارخانه نمک را فتح کردند، فلان کار را کردند. ما کلیات را می‌دانیم؛ اما اینکه در این قدم به قدم چه گذشته، دیگر اینها را نمی‌دانیم. یک صفحه‌ی عظیم مینیاتور با نهایت استادی و زیبایی جلوی ما گذاشته‌اند، ما هم از دور ایستاده‌ایم نگاه می‌کنیم و می‌گوییم: به به. نمی‌رویم نزدیک تا ببینیم در هر گوشه‌ای از مینیاتور، چقدر هنر به کار رفته تا ساخته شده. این کارها را بعضی‌ها می‌کنند. کرده‌اند. حالا این نمونه‌ای که بنده دیده‌ام، یکی از کارهاست. امیدوارم این کارها ادامه پیدا کند. کتاب دسته یک بسیار کتاب خوبی است.»** | **دسته یک، جلد یکم از یک مجموعه‌اي دو جلدي و حاوي احوال و اقوال افراد یک دسته بيست و نه نفره نظامي است كه در شب عمليات به مأموريت اعزام شده و هر كدام سرنوشتي پيدا كرده‌اند. اين كتاب، بخشي از گذشته و آينده اين افراد را نيز شامل مي شود. اصغر كاظمي، محقق، از 16 سال پيش سرگرم تهيه آثار، نگارش احوال و تدارك مقدمات اين كتاب بوده است. علاقه‌مندي وي به مسائل نظامي منجر به انتشار كتاب «از لندن تا فاو » شد كه بخشي كوچك از خاطرات دوران جبهه خود و دو رزمنده ديگر را در بر مي گيرد. مقدمات تهيه كتاب «دسته یک » نيز از چهار سال پيش فراهم شد. اين كتاب شامل سه بخش و 16 فصل است. در هر فصل، داستاني به زبان راوي نقل مي‌شود. نام راوي، رسته و سمت، تاريخ و محل نخستين مصاحبه در ابتداي هر فصل و مستندات فصل كه شامل نام و نام خانوادگي، اسناد مكتوب، عكس و اسناد غير مكتوب، بيوگرافي و در برخي فصل‌ها مصاحبه با خانواده شهيد در پايان فصل ارائه شده است. اين كتاب، شامل 5 پيوست «فهرست اسامي شهداي دسته یک» ،« عكسها » و ... است.** |
|  | **خط فکه** | **شهید سید محمد شکری** | **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، این سندی ارزشمند از اوضاع جبهه و خوی و خصلت بسیج است. این حرف‌ها برای مردم دنیای مادی و ظلمانی، قابل فهم و درک نیست، اگر چه سراسر هشت سال دفاع مقدّس از آن پر است، نگارش روان و روشن و موشکاف این نوشته بر ارزش سندی آن می‌افزاید، و شهید عزیز نویسنده این خاطرات با این نوشته نیز بخشی از فضای مصفّای روح بسیجی را مجسّم می‌کند.. ، رحمت خدا بر روان پاکش باد... این از جمله نوشته‌هایی است که حتماً باید به زبان‌های دیگر ترجمه شود. 70/9/19 »** | **این کتاب با عنوان «خط فکه»، یادداشت‌های شهید سیدمحمد شکری از جبهه‌های فکه، مهران، فاو و شلمچه را در بر می‌گیرد که در زمان حیات آن شهید و در روزها و لحظه‌های باقی مانده تا عروج ملکوتیش در پشت خاکریزها نوشته شده است. شهید سیدمحمد شکری (امدادگر) سال 1365 در بحبوحه نبردهایی که در جبهه‌های جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه ایران اسلامی جریان داشته به شهادت رسیده و یادداشت‌هایش از مشاهدات او در میدان‌های نبرد به عنوان اسنادی ارزشمند برای نسل‌های بعدی به یادگار مانده است.** |
|  | **دا** | **سیده اعظم حسینی** | **سوره مهر** | **«کتاب دا که حقا و انصافا کتاب بسیار خوب و قابل طرح در سطح جهانی است، مربوط به بخش کوچکی از وقایع جنگ تحمیلی است و این نشان می‌دهد که هشت سال دفاع مقدس دارای ظرفیت تولید هزاران کتاب به منظور انتقال فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انقلابی به جامعه و جهان است ... این کتاب در گستره کشور هنوز شناخته نشده است؛ در حالی که چند صد هزار تا حالا چاب کردید. اگر «دا » شناخته شود، میلیون‌ها نسخه از این کتاب فروش خواهد رفت و میلیون‌ها نفر از محتوای این کتاب بهره خواهند برد... شما هزار کتاب «دا » می‌توانید تولید کنید. «دا » یک رگه‌ی ارزشمند است که در معدن پیدا کردید، این راه را ادامه دهید.»** | **این کتاب خاطرات راوی از روزهای آغازین جنگ و روزهای حمله ارتش بعثی عراق به خرمشهر و مقاومت‌های مردمی در این شهر را روایت می‌کند. در این کتاب سیده زهرا حسینی خاطرات خود از روزهای مقاومت و روزهای پس از آن را با جزئی‌ترین موارد روایت می‌کند تا آنجا که این گونه جزئی نگری و بیان لحظه لحظه وقایع باعث شده تا بسیاری آن را رمان بنامند ، حال آنکه این کتاب سراسر خاطرات واقعی و حقیقی سیده زهرا از آن روزها است. راوی در آن روزها تنها 17 سال داشته و اهمیت این کتاب شاید در این باشد که وقایع جنگ ما برای اولین بار از زاویه دید یک دختر نوجوان روایت شده است. خاطراتی که راوی حدود 20 سال آن‌ها را در درون سینه خود همچون یک راز حفظ کرد و حرفی از آن نزد. در این کتاب ناگفته‌هایی از جنگ بیان شده که تا کنون کسی از آن ها حرف نزده است. این کتاب نگاه‌های مختلف از گروه‌های فکری و اقشار مختلف را به خود جلب کرده است. مسئولان و مدیران فرهنگی ، هنرمندان ، نویسندگان ، سینماگران از جمله کسانی هستند که این کتاب را مورد تحسین قرار داده‌اند. کتاب دا یکی از زیباترین و کامل ترین کتاب‌هایی است که در مورد دفاع مقدس نوشته شده است. یکی از ویژگی‌های این کتاب این است که بسیار خوب تصویربرداری شده است و درخشان‌ترین کتابی است که در زمینه دفاع مقدس چاپ شده است. این کتاب از نظر تصویری و سینمایی جنبه‌های فوق العاده‌ای دارد و اگر به کارگردانی ماهر سپرده شود می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد. تا کنون چند تن از کارگردان‌های صاحب‌نام کشور برای ساخت فیلم کتاب «دا » ابراز تمایل کرده‌اند.** |
|  | **دختر شینا** | **بهناز ضرابی‌زاده** | **سوره مهر** | **«بسمه‌تعالی، رحمت خدا بر این بانوی صبور و با‌ایمان؛ و بر آن جوان مجاهد و مخلص و فداکاری که این رنجهای توانفرسای همسر محبوبش نتوانست او را از ادامه‌ی جهاد دشوارش باز دارد.جا دارد از فرزندان این دو انسان والا نیز قدردانی شود. شهریور91»** | **کتاب «دختر شینا» یکی از آثار سوره مهر با موضوع خاطرات زنان است که با قلمی روان به روایت زندگی قدم خیر محمدی کنعان همسر سردار شهید حاج ستار ابراهیمی می‌پردازد.درباره زندگی این شهید فعالیت‌های فرهنگی مختلفی صورت گرفته بود. با توجه به آثار به عمل آمده، متوجه شدم قدم خیر در سن 22 سالگی، همسرش به شهادت رسیده و با وجود 5 فرزند، ازدواج نکرده و به تنهایی فرزندانش را بزرگ کرد.این بانوی نویسنده اضافه کرد: این موضوع برای من بسیار تامل برانگیز بود، زنی که در روستا زندگی می کرد به فضای شهر آمده و به تنهایی در اوج جوانی، تمام هم و غمش بزرگ کردن فرزندانش شده بود. بنابراین تصمیم گرفتم درباره فراز و نشیب های زندگی این زن با او مصاحبه کنم.** |
|  | **دختران آفتاب** | **اميرحسين بانكي‌پور- بهزاد دانشگر- محمدرضا رضايتمند** |  | **بسمه‌تعالی پس از نزدیک سه سال توانستم در این روزها -ایام شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها- این کتاب را بخوانم. در میان کتابهای داستانی که هدفش طرح مسائل فکری است، این بهترین کتاب از نویسنده‌ئی ایرانی است. طرح کلی داستان و درونمایه‌های داستانی آن خوب و شیرین است. حرفها هم قوی و منطقی است. اتفاقاً پیش از این، کتابِ: ... را خوانده‌ام. آن قویتر است. ولی با توجه به برخی ملاحظات (عمدةً بهره‌برداری نکردن از عامل جنسی در کتاب حاضر) در این کتاب، هنر بیشتری به کار رفته است. باید ترویج شود. تنها نقطه ضعف آن ذکر مشخصات استاد فاطمه است در فصل آخر کتاب.(روزهای نیمه‌ی خرداد ۸۷)** | **کتاب مخاطب عام را هم درگیر می‌کند؛ چراکه بحث‌های کتاب، جواب گفت‌وگوهای تربیتی و نقدهای اجتماعی و شوخی جمع‌های خانوادگی و محفل‌های مختلط زنانه و مردانه درباره‌ی مسائل زنان است. کتاب برای والدین رفع‌کننده‌ی برخی گره‌های ذهنی در روابط عاطفی‌شان با همسرشان است و همچنین کلیدهای خوبی از نیازهای تربیتی فرزندان را در اختیارشان قرار می‌دهد و برای فرزندان و به‌ویژه دختران، آگاهی و ترسیم فضای آینده و پیش‌رو را به دست می‌دهد** |
|  | **در کمین گل سرخ** | **محسن مومنی** | **سوره مهر** | **«این نمونه‌ی جالب و بی سابقه‌ای است از گزارش جنگ در ضمن داستان شیرین زندگی یکی از شخصیتهای آن. آن را یکسره مطالعه کردم (تا ۸۴/۶/۷) زیبا و هنرمندانه نوشته شده است. با بسیاری از حوادث آن کاملاً آشنایم. البته بسیاری دیگر از حوادث آن دوران و نیز مطالب بسیاری از آنچه مربوط به این شهید عزیز است ناگفته مانده است. و این طبیعی است. البته برجستگیهای شخصیت شهید صیاد شیرازی را در نوشته و کتاب به درستی نمی‌توان نشان داد. او حقاً نمونه‌ای از یک ارتشی مومن و شجاع و فداکار بود. رحمت خدا بر او.»** | **محسن مؤمنی در کتاب «در کمین گل سرخ» به روایت زندگی صیاد شیرازی می‌پردازد. صیاد شیرازی متولد روستای کبود گنبد شهرستان درگز استان خراسان رضوی است. وی یکی از فرماندهان جنگ ایران و عراق بود. صیاد شیرازی پس از ۳۲ سال خدمت در یگان‌های مختلف نیروی زمینی ارتش در تهران و مقابل درب منزلش، به دست نیروهای مسلح سازمان مجاهدین خلق ترور شد. این کتاب یا صدای گرم و گویای محمد رضا علی روایت شده است. محسن مؤمنی قصه‌نویس است. به همین خاطر روایت زندگی صیاد شیرازی را کاملاً غیر منتظره و با تعلیق آغاز می‌کند؛ از آنجاکه یک سرهنگ حکم بازداشت صیاد شیرازی را صادر می‌کند و نمی‌داند چند روز بعد او ضامن جانش می‌شود. قصه از پدر صیاد شیرازی که نظامی بوده شروع می‌شود تا به کودکی، نوجوانی و جوانی صیاد برسد. حالا او به‌عنوان یک نظامی در آستانه انقلاب، فعالیت‌های انقلابی می‌کند و سرهنگ شعیبی او را به همین جرم به بازداشت می‌فرستد. چند روز بعد که انقلاب به ثمر می‌رسد جوانان انقلابی اصفهان می‌خواهند سرهنگ را اعدام کنند که صیاد شیرازی شفاعتش را می‌کند. باقی قصه خواندنی مؤمنی، خواباندن غائله کردستان است و پاک‌سازی بانه و مریوان به دست صیاد شیرازی، رسیدنش به فرماندهی نیروی زمینی ارتش، فرماندهی عملیات‌های بزرگ جنگ، حضور مؤثر در آزادسازی هویزه و خرمشهر، انجام عملیات مرصاد و بعد شهادت گل سرخ ...** |
|  | **دسته یک** | **اصغر کاظمی** | **سوره مهر** | **«من یک کتابی را اخیرا خواندم که شرح چند روز در حول و حوش یکی از حملات ماست؛ از زبان افراد باقی مانده از یک دسته، نه از یک لشکر یا یک تیپ یا از گردان یا از یک گروهان حتی. تعدادی از این دسته باقی ماندند و گزارش کردند. این نویسنده و محقق بسیار با ذوق، که حقا و انصافا این جور کارها بسیار با ارزش است، رفته جزء جزء مطالب را از زبان آن افراد گرفته که یک کتاب ششصد هفتصد صفحه‌ای شده. ما فقط می‌شنویم عملیات فاو. خیلی ادواره سيد علي‌رضا قوام، معاون گردان نوح از لشكر امام رضا(ع) را در اين كتاب آورده است. كاوري نيز از تواضع، متانت، خوشرويي، خوشگويي و از جاذبه‌هاي، شهيد عليرضا قوام مي‌گويد. داوود اميريان نيز يادواره حاج حسين طاهري، فرمانده گردان ميثم را نوشته است. اميريان از اخلاق و رفتار، محبوبيت، زحمات و بي‌خوابي‌ها، سخت‌گيري و آموزش نيروها و آماده كردن آنها براي عمليات، عشق به حضرت زهرا و از تواضع و فروتني طاهري مي‌گويد. علي‌اكبر خاوري‌نژاد يادواره‌اي از فرمانده محموديان، حسن گلچين خاطره‌اي از فرمانده علي غفاري، هادي جمشيديان از خادمي فرمانده سپاه بانه كردستان و عباس پاسيار از محمد بروجردي فرمانده عمليات غرب، نوشته‌اند. اكنون، همه اين فرماندهان كه در كتاب، يادواره و خاطراتشان و شجاعت‌ها و دلاوري‌هايشان آمده است به درجه رفيع شهادت رسيده‌اند و اين كتاب يادنامه‌اي از آنهاست كه توسط افرادي كه شاهد ايثار و فداكاری‌ها و دلاوري‌هايشان بوده‌اند، تنظيم شده است.** |  |
|  | **دشت شقایق‌ها** | **محمدرضا بایرامی** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، ارتش با حجم عظیم و تلاش متنوع‌اش، سهم بزرگی در تشکیل دفاع مقدس هشت ساله داشته است. خاطرات دیگری که خوانده‌ام همه تصویر وضع و حال سپاه و بسیج بوده است و اینک نوشته‌ای در شرح حال واحدهای ارتشی. سبک هنرمندانه و قلم زیبای این نویسنده، کمکی در خور تحسین کرده است به آب و رنگ بخشیدن به حوادث و وقایع خطوط ارتشی. البته فاصله میان این و آنچه از بسیج می‌دانیم و خوانده‌ایم، بسی ژرف است. در اینجا وضع یگان‌های ارتشی را می‌شود بخوبی دید. کتاب را یک‌نفسه در روز جمعه 7/ 1/ 71 خواندم.»** | **يادداشت‌هاي راوي كه سرباز وظيفه است به صورت روزشمار از تاريخ 24 تيرماه 1366 با رفتن او به جبهه، شروع مي‌شود. او پس از عمليات نصر سه و تسخير خط «شرهانی» در عمق خاك عراق، برای آموزش تكميلی به اردوگاه نزاجا نزدیك كرخه بر مي‌گردد. در سيزده مرداد دوباره همراه گردان به خط اول باز مي‌گردد. راوي به عنوان بيسيم‌چي در گردان خدمت مي‌کند و یک مركز تلفن 6- 22 در اختيار دارد. از رتيل‌های منطقه كه خودشان خطر ديگري هستند تعريف مي‌كند. و از تفاوت افراد مي‌نويسد. محل استقرار آنها نزدیک زبيدات و نهر عنبر است. در اثر اشتباهي كه مرتكب مي‌شود و پيشروی گشتي‌های خودی را خبر نمي‌دهد، توبيخ شده، از مخابرات به انبار مهمات منتقل مي‌شود و از آنجا به گشتي‌ها مي‌پيوندد. در عملياتي كه شركت مي‌كند، چند تن از دوستانش شهيد مي‌شوند و دوباره به انبار مهمات برمي‌گردد و...** |
|  | **ره‌نمای طریق** | **محمدعلی جاودان** | **مطیع** | **«بخش عمده‌ای از کتاب مطالعه شد، مطالب سودمند بسیاری در آن هست که برای جوانان دانستن آن ها لازم یا راه‌گشا است. خداوند به همه‌ آنان توفیق دهد و مؤلف محترم را محفوظ بدارد بمنّه و کرمه.»** | **اینکه انسان بداند به چه علّت خلق شده و خود را از این سردرگمی و بلاتکلیفی نجات بدهد و به خدا نزدیک‌تر شود چه ثمری دارد؟ اگر آدم بداند برای چه خلق شده، حتماً سعادتمند خواهد شد. قرآن می‌فرماید: ما جنّ و انس را برای بندگی کردن خلق کرده‌ایم. در آیه دو انحصار وجود دارد. انحصار اوّل این است که در عبادت فقط خدا را عبادت کنید و انحصار دوم این است که هیچ کاری جز بندگی نکنید. اوّلاً، فقط خدا را بندگی کنید و ثانیاً، جز بندگی کاری نکنید و فقط بندگی کنید؛ بنابراین ما هر کار دیگری کنیم خلاف هدف خلقت است. امّا مقصود این سخن آن نیست که نخورید و نیاشامید و نخوابید و همه‌اش نماز بخوانید. بلکه مقصود این است که همه‌ی کارهایتا ن رنگ عبودیت بگیرد و برای خدا باشد و قصد قربت داشته باشید. اگر این را بفهمیم و آن‌طور که باید عمل کنیم، خلقت ما به هدف خودش رسیده است. چرا عدّه‌ای از انسانها در آفریقا و بعضی از کشورهای جهان از گرسنگی میمیرند. مگر خدا رزق آنها را نیز مقدّر نفرموده است. مگر قرار نیست که روزی انسان به سمتش بیاید و او برای کسب رزق حرص نورزدمرگ هر کس به شکل خاصّی است. کسانی از راه مرض قلبی و سکته جان می‌سپارند و کسانی از طریق سرطان و کسانی گرفتار سیل و رانش زمین می‌شوند و کسانی زلزله و کسانی به یک جنگ گرفتار می‌شوند. در تمام این مرگ‌ها سنّ شخص ممکن است کم باشد یا زیاد و ممکن است کسانی از گرسنگی از دنیا بروند. این یک مسئله. مسئله‌ی دوم اینکه شخص باید برای رزق و روزی خود تلاش کند. اگر تلاش لازم را نکند، مسئول عواقب آن خواهد بود و از نظر دنیا گرفتاری خواهد یافت.** |
|  | **زنده‌باد کمیل** | **محسن مطلق** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، از این نوشته عطر اخلاص به مشام می‌رسد. و چه زیباست که روایت صحنه‌هایی که از اخلاص و ایثار سرشار است، نیز از سر اخلاص باشد. نویسنده فروتنانه خود را غالباً در پشت یاران شهیدش پنهان کرده است. خوشابه‌حال این جوانان نورانی که در یکی از استثنایی‌ترین فرصت‌های الهی در تاریخ، بیشترین بهره را بردند و به مدد اراده و ایمان و فداکاری، به مدارج عالی انسانی رسیدند. این کتاب همچنین به‌خاطر شیرینی زبان روایتش و طنزی که در خیلی جاها نمک نوشته کرده است، از بعضی دیگر از خاطره‌های مکتوب، خواندندنی‌تر است. باید ترجمه شود. 14 / 11 /70»** | **داوود امیریان نگارش کتاب «خداحافظ کرخه» را در سنین جوانی یا شاید بتوان گفت نوجوانی شروع کرده است. وی بیشتر از آنکه در پی معرفی نام و اعتبار افراد در جبهه‌های جنگ باشد، به بیان خصوصیات رفتاری و اخلاقی آنها پرداخته است. شخصی تهایی که او در این کتاب از آنها نام می‌برد، ناشناسند. اکثر آنها بسیجیان گمنامی هستند که یا به شهادت رسیدند، یا جانباز شدند و یا در گوشه‌ای از این کشور زندگی می‌کنند. اما آنچه این کتاب را خواندنی می‌کند صمیمیت و سادگی نویسنده در بیان حال و هوای رزمندگان هنگام عملیات، قبل و بعد از آن، پشت جبهه و فضای کلی جبهه‌ها است. امیریان کتاب «خداحافظ کرخه » را در چهار بخش تنظیم کرده که هر بخش آن چند فصل کوتاه دارد. فصل‌هایی که گاه دو صفحه بیشتر نیست. خاطرات کوتاهی که او در این فصول، بدون تکلف و با قلمی روان بیان کرده، به خوبی می‌تواند ذهن خواننده را درگیر موقعیت‌های پیش آمده در آن روزها کند. از اولین لحظات اعزام به جبهه و استقرار در اردوگاه‌ها تا شوخی‌های رزمندگان در حال و هوای جنگ و روحیه بالای آنها هنگام عملیات، توسلات و مناجات‌های بسیجیان قبل از شهادت و توصیف لحظه شهادت آنها، در این کتاب به خوبی تصویر شده‌اند. نکته دیگر اینکه چون روایتگر این خاطرات خود در همه‌جا حضور داشته و از زبان خودش خاطرات را نقل می‌کند، بر اثرگذاری و باورپذیری آن افزوده است.** |
|  | **سرباز کوچک امام** | **فاطمه دوست‌کامی و مهدی طحانیان** | **پیام آزادگان** | **«بسمه تعالی»سرگذشت این نوجوان شجاع و باهوش و صبور در اردوگاه‌های اسارت، یکی از شگفتی‌های دفاع مقدّس است؛ ماجراهای پسربچّه‌ی سیزده چهارده ساله‌ای که نخست میدان جنگ و سپس میدان مقاومت در برابر مأموران درنده‌خوی بعثی را با رفتار و روحیه‌ای اعجاب‌‌‌انگیز، آزموده و از هر دو سربلند بیرون آمده است. دلْ بر مظلومیّت او می‌سوزد ولی از قدرت و تحمّل و صبر او پرمیکشد؛ این نیز بخشی از معجزه‌ی بزرگ انقلاب اسلامی است. در این کتاب، نشانه‌های خباثت و لئامتِ مأموران بعثی آشکارتر از کتابهای مشابهی است که خوانده‌ام. به‌هرحال این یک سند باارزش از دفاع مقدّس و انقلاب است؛ باید قدر دانسته شود.خوب است سست‌پیمان‌های مغلوب‌دنیاشده، نگاهی به امثال این نوشته‌ی صادقانه و معصومانه بیندازند، شاید رحمت خدا شامل آنان شود. »۹6/۴/۱۲»** | **کتاب «سرباز کوچک امام» روایتی است از خاطرات آزاده مهدی طحانیان از کودکی تا امروز. جهت آفرینش این اثر ارزشمند در مجموع 163جلسه مصاحبه با آقای طحانیان گرفته شده است که طی آن ها نزدیک به 350 ساعت فایل صوتی ذخیره گردیده. علاوه بر این حجم صوتی حدود 20 ساعت مصاحبة تکمیلی نیز با افراد مربوط با خاطرات آقای طحانیان از جمله پدر مهدی طحانیان ، سرهنگ حسن زارعی از فرماندهان دفاع مقدس و همسنگران مهدی ، آزادگان سرافراز :حجت الاسلام سید حسن میر سید ، فاطمه ناهیدی ، فاطمه شمسی بهرامی ، معصومه آباد و امیر شاه پسندی و نیز نامه هایی از دوران اسارت تهیه شده است. تمامی این تلاش ها و حساسیت های مربوط به ثبت خاطرات ایشان تنها به این دلیل بوده که خاطرات یکی از جوان ترین اسرای انقلاب که تنها یک نمونة آن بازتابی روشن در اذهان مردم پرشور مذهبی ایران داشته است، به صورتی کاملاً مستند و منطبق با واقعیات ثبت گردد. ماحصل چهار سال تلاش جهت نگارش این اثر، کتابی به حجم 925 صفحه و در 8 بخش می باشد. در بخش پیش گفتارِ مؤلف کتاب «سرباز کوچک امام» به تفصیل روند تلاش های مؤلف جهت ایجاد این اثر توضیح داده شده است. توضیحاتی که هر خواننده ای را در اطمینان به خوانده هایش قوت قلب می بخشد. کتاب «سرباز کوچک امام» به بیان اتفاقات ریز و درشت زندگی مهدی طحانیان پرداخته؛ اتفاق های خواندنی و جذابی که در بسترهای متفاوتی روی می دهد و ذهن خواننده را به طرز ماهرانه ای به همراهی خویش دعوت می کند. ناب ترین بخش این خاطرات مربوط به سال های طولانی ای است که راوی در اردوگاه های نگهداری اسرای ایرانی در عراق سر می کرده. او به عنوان جوان ترین اسیر جنگی در زمان اسارتش به شدت کانون توجه بعثی ها بوده و به تبع آن شاهد ماجراهای تلخ و شیرینی است که در نوع خویش کم نظیر هستند. نقطه اوج این اتفاق ها ماجرای امتناع او از مصاحبه با «نصیرا شارما» یک زن خبرنگار هندی بی حجاب است.چنین تصمیمی در شرایط وحشتناک و خفقان آور اسارت که جسارت بی مثالی می طلبید؛ توسط نوجوانی گرفته می شود که خود را سرباز و مطیع اوامر رهبرش می داند. زندگی اسارتی و ابتکارات ریز و درشتش، روابط و علقه های به وجود آمده میان او و رفقای دربندش، حوادث متفاوتی که حین اسارت بر اردوگاه ها سایه انداخته، تنها بخشی از فصول این کتاب است. کتابی که به زعم کارشناسان این حوزه جامع ترین اثر خاطره نگاری به لحاظ حجم و محتوا در عرصه «اسارت» و «فرهنگ ایثار و مقاومت» به شمار می‌آید.** |
|  | **سفر به شهر زیتون** | **جواد جزینی** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، از این کتاب حتی بخش اوّلش را هم نتوانستم تمام کنم. تا ماجرای کمیل و قصّه غم سنگین آن دل کوچک خواندم و دیگر تحملم تمام شد. در گزارش‌های جبهه، وضع به گونه‌ای دیگر است، چه بسیار دقائقی که در برابر آن تصویرهای خونین، چهره به اشک آغشته شده است. اما غم در ماجراهای شهادت، سوز و گدازی شیرین با خود دارد، درست چون غم در ماجراهای عشق. در آن احساس خسران نیست، هرچه هست شیرینی و سرخوشی است. و حقیقتاً چیزی غریب است. با مرگ و فنا و ویرانی هیچ نسبتی ندارد. تبارک الله، ما ابدع سبیله وا حلیا لتسرّعا لیه.. 28 / 3/71»** | **«سفر به شهر زیتون » خاطرات و گزارش‌هایی درباره حضور هنرمندان و نویسندگان در سفر به رودبار و منجیل زلزله‌زده را روایت می‌کند. این کتاب گزارش پشت صحنه‌ای است از وقایعی که پس از زلزله برای شهرهای زلزله‌زده رخ داده است. این یادداشت‌ها از دو نظر حایز اهمیت است؛ یکی آنکه مخاطب گزارشی از رخدادهای پشت صحنه این رویداد را نظاره می‌کند و دوم اینکه این اثر می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران، جامعه‌شناسان و هلال احمر قرار گیرد. از سوی دیگر توجه به بعد روانی زلزله است و اینکه کتاب حاضر توانسته است چند صد نفر کودک و نوجوان را زیر چتر حمایتی خود بگیرد. حضور نویسندگان در این مواقع وظیفه آنان است و متاسفانه این اتفاق به دلیل کمبود بودجه در زمان رخ دادن زلزله بم رخ نداد. این نویسنده گفت: بخشی از یادداشت‌های این کتاب آن موقع به صورت ستون در روزنامه اطلاعات چاپ می‌شد که بعدا به صورت کتاب درآمد. به گفته جزینی، این کتاب که شامل چند یادداشت نویسندگان و هنرمندان است، بعد از بیست سال از سوی انتشارات سوره مهر دوباره منتشر می‌شود و می‌تواند منبع خوبی برای آشنایی با تبعات این گونه حوادث‌ها و نحوه همدلی میان انسان‌ها در مواقع این‌چنینی باشد.** |
|  | **سفر به قبله** | **هدایت‌الله بهبودی** | **سوره مهر** | **«این کتاب مرا باز در شور و حال حسرت‌آلود زیارت خانه‌ی خدا و حرم رسول‌الله(ص) فرو برد. شور و حال و اشتیاقی که دیگر امیدی هم با آن نیست. تا به یاد دارم -از سالهای دور جوانی- هرگز دل خود را از آتش این اشتیاق، رها نیافته‌ام. اما حتی در دوران سیاه اختناق که هر روحانی بامعرفت و بی‌معرفتی، با رغبت و یا حتی از سر سیری، آسان می‌توانست در خط حج قرار بگیرد ... و من نمی‌توانستم! یا بهتر بگویم: هیچ حمله‌دار و رئیس کاروانی از ترس ساواک شاه، نمی‌توانست و جرأت نمی‌کرد نام مرا در فهرست حاجی‌های خود -چه رسد به عنوان روحانی کاروان- بگذارد. بله، حتی در آن دوران سخت هم دلم از امید زیارت کعبه و بوسه زدن بر جای پای پیامبر(ص) در مکه و مدینه، خالی نمانده بود ... و این امید، اگرچه با حج ده روزه‌ سال 58 که به فضل شهید محلاتی قسمتم شد، برآورده گشت، اما آتش آن شوق سوزنده‌تر و مشتعل‌تر شد ... در سالهای ریاست جمهوری چشم امید به پس از آن دوران دوخته بودم ... اما امروز ...؟ شور و اشتیاقی بی‌سکون و امیدی تقریبا فرو مرده ... تنها تسلی به خواندن این‌گونه سفرنامه‌ها یا شنیدن آن‌ها است که خود بازافزاینده‌ شوق نیز هست. این کتاب، شیرین، موجز، با روح و هوشمندانه نوشته شده است. زیارت قبول؛ عزیز نویسنده! زیارت قبول ۷۰/۱۲/۱۰»** | **این کتاب گزارش سفر هدایت الله بهبودی و چند تن از دوستانش به کعبه است .این نخستین مراسم حج پس از کشتار ایرانیان در مکه به سال 1366 بوده و نخستین نگاه نویسنده به این مراسم معنوی. در ابتدا نویسنده کمال ناباوری خود را از تشرف به این سفر شرح می دهد و دریچه های امید را به قلب انسان می گشاید که وقتی او بخواهد می شود؛ به همین سادگی که این متن را می خوانی . در ادامه ملاقات نویسنده با آقای خامنه‌ای شرح داده شده است . نویسنده در این کتاب گزارش روزانه سفر خود را نوشته است و لحظه به لحظه انسان در موقعیت قرار می دهد. نویسنده دو نوع نگاه دارد نگاه سیاسی و نگاه معنوی . نگاه سیاسی اشاره به برخورد صعودی‌ها با ایرانی‌ها و سیاست های آن‌ها در کمرنگ جلوه دادن جنبه های مذهبی و در عوض رونق دادن بازاریابی محصولات اروپایی و امریکایی و چینی و... دارد . نگاه مذهبی به توصیف لحظه های ناب عرفانی، رنگ باختن تعلقات دنیوی و برابری انسان ها اعم از فقیر و غنی و رئیس و مرئوس و زن و مرد، وعده ها و شروط با خدا، توصیف جزء به جزء لحظات احرام ، برائت از شیطان و وسوسه هایش دارد که انسان را مشتاق سفر به آن دیار می کند.گزیده متن: «به عقل که درست نیست، ولی گمان می کنم اینجا خدا دلش نرم‌تر است . دستت راحت تر می رسد به خدا . خیلی زود دامنش را می گیری و دسته دسته گلهای محبت و دوستی را می چینی، بو می کنی و کیف . اشک مفت چنگت . دل شکسته هر وقت که بخواهی . دریچه قلبت باز باز . دلت سوهان می خورد ، صاف می شود .سختی قلبت فرار می کند ، نرم می شود . می دانی چرا؟ برای اینکه اینجا حوزه استحفاظی خداست . از دلها و قلبها حفاظت می کند.»** |
|  | **سفر به قله‌ها** | **هدایت‌الله بهبودی** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، گزارش اول، حرف‌های و هنرمندانه، شرح کوتاهی از اولین ساعت بمباران سیانوری حلبچه، ارائه کرده است که بسیار مغتنم است، و نیز اشاره‌ای به وضع اسرای عراقی در پشت خط اوّل دارد که آن هم جالب و مهم است. گزارش کوتاه دوم از همان نویسنده است. گزارش بعدی که به زبان روزنامه‌ای و در سبک گزارش‌های مطبوعات غربی و به تقلید از آنها نوشته شده حاوی مطلبی چندان مهم نیست، بعلاوه که گسیختگی در ذهن و نارسایی در زبان هم گاه در آن هست، ولی از این جهت که تصویری گرچه مبهم از کردهای اتحادیه میهنی ارائه کرده، مغتنم است. گزارش چهارم درباره حمله عراق به جنوب پس از قبول قطعنامه (تیرماه 67 ) و از آن جالب‌تر، شرح انهدام منافقین در غرب کشور و تپه حسن‌آباد است. گزارش خوبی است. تکیه بر بچه‌های جنوب (فقط) برایم مفهموم نشد هرچند ناگفته ماندن چیز مهمی در آن واقعه، برایم کاملاً مفهوم بوده و هست! گزارش آخر از همان نویسنده (نویسنده گزارش چهارم!) چیزی نیست جز قلم‌انداز یک نویسنده خوش ذوق که جز پاسخ به احساسات، هدفی از نوشتن ندارد. این گزارش‌ها را در 18 اسفند 70 تمام کردم و نه چندان خوشحال..!** | **«سفر به قله‌ها »، پنج گزارش جنگي است. «حلبچه » گزارشي است از بمباران هوايي شهر تهران، حركت به سوي حلبچه و مناطق موشك خورده و بمباران شده باختران (كرمانشاه) و مهران و ادامه مسير سفر تا منطقه حلبچه. «سفر به قله‌ها » گزارش بازديد از مناطق آزاد شده بيت المقدس شش و پاوه و ياد شهيد چمران، و پاسداران مظلوم شهيد شهر پاوه و بازگشت به شهر تهران است. «كردستان عراق، حكايت ناگفته» گزارش سيد ياسر هشترودي از كردستان عراق است و منطقه آزاد شده در عمليات‌هاي نصر هشت و بيت‌المقدس دو. «خاكريزهاي ايمان»، گزارش مرتضي سرهنگي از جبهه‌هاي جنوب، نماز جمعه ن و قوی‌ترین یادداشت‌های جنگ است. متن و ترجمه هر دو قوی است. این سند، مکمّل سندهایی است که از نوک قلم بسیجیان روشندل و باصفا و مظلوم و شجاع ما به یادگار مانده است. 70/9/19»**  **كتاب حاضر، مجموعه خاطرات روايي داستاني یک اسير عراقي است كه در يازده خاطره، چشم‌ديده‌هاي خويش را از سال‌هاي جنگ بين ايران و عراق به تصوير كشيده است. سال‌هاي پر از خاطره‌هاي تلخ و شيرين مقاومت‌ها، رشادت‌ها، سرانجام یک تنه لشكري را به هزيمت واداشتن و شربت شيرين شهادت را لاجرعه سر كشيدن. به راستي چقدر زيباست، شنيدن خاطرات رزمندگان خودي را از زبان كساني كه به ناچار در صف غير خودي قرار داشته و به چشم سر مي‌ديده است. وعده الهي را كه محقق مي‌شده و سربازانش پله‌هاي رشادت و شهادت را یکی پس از ديگري مي‌پيموده‌اند. در سال‌هاي جنگ و دفاع مقدس بسيار بودند اسيران عراقي كه يا خود به اردوگاه دوست آمده يا اسير شده بودند، پس آنگاه كه چشم بر حقيقت گشوده، لب به اعتراف گشوده و خاطراتي را بازگو کرده‌اند كه مدال و مرخصي یکی از آن خاطره‌ها است.** |
|  | **شانه‌های زخمی خاکریز** | **صباح پیری** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، در این نوشته هرچه به آخر نزدیک‌تر می‌شویم، روح اخلاص و صفایی را که در آن موج می‌زند بیشتر حس می‌کنیم. من به حال خود حسرت می‌خورم و به این جوانان شجاع و باایمان و فداکار غبطه می‌برم که در عمری کمتر از نیمه عمر ما، به مقاماتی رسیده‌اند که امثال من با خواندن شرح آن، احساس عروج معنوی می‌کنند. خدا کند در کشاکش زمانه، آنچه را در معراج جهاد و فداکاری به دست آورده‌اند بتوانند بخوبی حفظ کنند. این نوشته هنرمندانه و دارای نثری استوار نیز هست که ارزشش را بیشتر می‌کند. ویژگی مهم این کتاب آن است که حال امدادگران را شرح می‌کند. بسیار لازم بوده و هست که جبهه‌گیان رسته‌های غیر رزمی مانند: جهادگران، امدادگران، رانندگان، آشپزها و تدارکاتی‌ها که هر کدام عالم مخصوص به خود داشته‌اند و بعضاً فداکاریشان از رزمندگان خطوط مقدم کم‌خطرتر نبوده بلکه حتی پرخطرتر هم بوده مثل (سنگرسازان و خاکریززنان)، نیز شرح خود را بنویسند، یا بگویند و کسی بنویسد. باری از این جوان عزیز و از ناشرین باید تشکر کرد. 6/ 1/ 71 و 21 رمضان المبارک 1412»** | **صباح پیری یک امدادگر جانباز است که پس از پذیرش قطعنامه، دفتر ادبیات و هنر مقاومت به او پیشنهاد کرد تا خاطرات هفت ساله جبهه‌اش را بگوید. او هم شروع کرد و با حوصله 32 نوار یک ساعتی را پر کرد. همه آن نوارها، جمله به جمله روی کاغذ نشستند و پس از مرتب شدن، «شانه های زخمی خاکریز » را در ردیف کتاب‌های خواندنی و جذاب دفاع مقدس قرار دادند.** |
|  | **ضربت متقابل** | **حسین بهزاد/گلعلی بابایی** | **سوره مهر** | **«کتاب‌هایی مانند ضربت متقابل و هم‌پای صاعقه، باید کتاب‌های رایج دست کارکنان در سطح سپاه و خانواده‌هایشان باشد.»** | **این کتاب پانصد و هفتاد و پنجمین اثر از مجموعه كتاب‌های پژوهش و نقد دفتر ادبیات و هنر مقاومت است. این اثر که برگزیده دوازدهمین جشنواره انتخاب كتاب سال دفاع مقدس در رشته پژوهش نیز محسوب می‌شود، توسط گلعلی بابایی و حسین بهزاد به کارنامه عملیاتی سپاه محمد رسول الله(ص) در عملیات رمضان از تیر تا پایان شهریور ماه 1361 در چهارده فصل پرداخته است.** |
|  | **عباس دست‌طلا** | **محبوبه معراجی پور** | **فاتحان** | **«این کاری که اخیرا شروع شده که از شماها با این جزئیات و ریزه کاری‌ها خاطرات می‌گیرند ،این هم کار خیلی خوبی است. ما دو جلد از این کتاب‌های شما را خواندیم، یکی کتاب آقای بنائی را خواندم یکی هم کتاب این حاج آقای عباس دست طلا را که مفصل و با جزئیات خواندم. خیلی خوب بود انصافا، مخصوصا کتاب ایشان. هم مطلب در آن زیاد بود هم آثار صفا و صداقت در آن کاملا محسوس بود و انسان می‌دید. خداوند ان شاءالله فرزند شهید ایشان را با پیغمبر محشور کند و خودشان را هم محفوظ بدارد.** | **این کتاب نگاهی به عملکرد بسیجیان فنی و تعمیر کار واحد پشتیبانی و تدارکات سپاه پاسداران در دوران هشت سال دفاع‌ مقدس دارد. خاطره‌نگار اثر، ماجراها را از زمانی که کمتر از دو ماه از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران گذشته، آغاز می‌کند. عباسعلی باقری با مروری کوتاه بر زندگی‌اش و دودلی‌های خود برای حضور در جبهه‌ها، از زمانی می‌گوید که تصمیم می‌گیرد برای دو هفته به جبهه برود و ببیند در آنجا چه کاری از دستش برمی‌آید. بخش دیگری از کتاب «عباس دست طلا » به ماجرای حضور خانواده باقری در اهواز و منطقه جنگی اختصاص دارد. فعالیت‌های وی تا پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ادامه پیدا می‌کند و مهارت او در تعمیر خودروها باعث می‌شود تا به او لقب عباس دست‌طلا را بدهند.** |
|  | **عبور از آخرین خاکریز** | **دکتر احمد عبدالرحمن/ مترجم محمدحسین زوارکعبه** | **سوره مهر** | **«بسمه تعالی در شب سه‌شنبه 19 / 9/ 70 مطالعه آن تمام شد. آن را از نظر داستانی و نیز اشتمال بر مطالب مفید، بهتر از خاطره اسیر دیگر عراقی که او نیز پزشک بوده است، یافتم. بجاست اگر به زبان‌های اروپایی همه یا بخشی از آن ترجمه و در پاورقی روزنامه‌هاشان منتشر شود، مخصوصاً بخش اوّل آن یعنی از ص11 »** | **«عبور از آخرین خاکریز » عنوان کتابی است از اسیر عراقی دکتر احمد عبدالرحمن که در آخرین ساعات آزادی خرمشهر خود و دوست مجروحش را تسلیم رزمندگان ایرانی می‌کند. این کتاب که توسط محمدحسین زوارکعبه ترجمه شده، در پانزده فصل مجزا به رشته تحریر درآمده است. دکتر احمد عبدالرحمن که در اکتبر ۱۹۷۹وارد ارتش عراق شده بود سرانجام پس از اعزام از سوی لشکر عراق به خرمشهر، در لحظات آغازین فتح خرمشهر در ماه مي 1982 به عنوان پزشک توسط نیروهای ایرانی به اسارت در می‌آید. احمد عبدالرحمن به ذكر نکات و وقايعي از جنگ 8 ساله مي‌پردازد که در نوع خود (به‌خصوص از اين نظر كه راوي عراقي است) برای خواننده تازگی دارد.** |
|  | **فرمانده من** | **رحیم مخدومی و...** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، السلام علیکم یا اولیاء الله و احبّائه، السلام علیکم یا اصفیاء الله و خیرته، السلام علیکم یا انصار دین الله و اعوان ولیه.. ای آیت‌های خدا، ای معجزه‌های ایمان، ای نشانه‌های تعالی جاودانه‌ی انسان .. ای گل‌های محمّدی که فساد و آلودگی جهان امروز نتوانست از شکوفایی بازداردتان، برقی شدید و دنیای تاریک را روشن کردید ، حجّتی شدید بر آن کوته نظران که بالندگی انسان الهی را در عصر تسلط مادیت ناممکن می‌دانستند. خاطره مسلمانان صدر اسلام را زنده کردید و صدق و اراده و فناء فی‌الله را حتی بیش از آنان به نمایش گذاشتید. آنان به نفس پیامبر و نزول پیاپی آیات قرآن دل را گرم و جان را تازه می‌کردند اما شما چه؟!! حقاً خلوص و تقوا را مجسم کردید و برای آن امام بحق که مظهر خلوص و تقوا بود، سربازانی شایسته شدید. سلام الله علیه و علیکم و هنیئاً لکم رحمة ربکّم .. کتبه بیمناه الوازرة اسیر امانیه و ذلیل نفسه علی الحسینی غفر الله له و رحمه و حشره مع اولیائه و الحقه بهذه الزمرة الطیبة. آمین. این کتاب در 13 رجب 1411 با چشمی لبریز اشک شوق و حسرت زیارت شد.»** | **كتاب فرمانده من از مجموعه كتاب‌هاي «يادنامه » با موضوع «جنگ ايران و عراق » است. «فرمانده من» را رحيم مخدومي، احمد كاوري، داوود اميريان، علی‌اکبر خاوري‌نژاد، حسن گلچين، هادي جمشيديان و عباس پاسيار به رشته تحریر درآورده‌اند. رحيم مخدومي يادواره‌اي از فرمانده بزرگوار، مدني، نوشته است. مخدومي، صميمت و مهرباني، شجاعت و دلاوري، محبوبيت و نحوه به شهادت رسيدن مدني را بيان كرده است. احمد كاوري نيز حديث صلابت و يا بودند، فرماندهي گردان كميل با برادر شاهسوند بود. اين گردان هفتاد و پنج نفري یک جمع صميمي را تشكیل مي‌داد. گردان كميل چند صباحي را در پادگان دوكوهه منتظر عمليات مي‌ماند و بعد از مدتي مأموريت پدافند خط مهران به گردان كميل محول مي‌شود و افراد گردان سربلند از اين عمليات و با دادن چند شهيد و مجروح به اردوگاه بر مي‌گردند. محسن مطلق در سراسر كتاب از گردان كميل مي‌گويد: از صميميت و اخلاص، نيايش‌ها و مناجات‌هاي شبانه، دلاوري‌ها و ايثارها، مأموريت رفتن‌ها و برگشتن‌ها، آموزش ديدن‌ها، شوخی‌ها و خنده‌ها، ضجه‌زدن‌ها و توسل‌ها، پرپر شدن و به ديدار حق شتافتن افراد گردان، همچنين از اقامتشان در اردوگاه كرخه، اردوگاه كارون، بهمن‌شير، سنگر و چادرها، و از نخلستان‌ها هم مي‌گويد. در آخر هم افسوس مي‌خورد كه چرا به ياران شهيدش، به همرزمان و به دوستانش نپيوسته، به همين دليل قلم به دست مي‌گيرد و ياد آنان را زنده نگه مي‌دارد.** |
|  | **فرنگیس** | **: مهناز فتاحی** | **سوره مهر** | **بخش ناگفته و بااهمّیّتی از حوادث دوران دفاع را به مناسبت شرح حال این بانوی شجاع و فداکار، در این کتاب می‌توان دید. بانو فرنگیس دلاور با همان روحیّه‌ی استوار و پُرقدرت، و با زبان صادق و صمیمی یک روستایی، و با عواطف و احساسات رقیق و لطیف یک زن، با ما سخن گفته و منطقه‌ی ناشناخته و مهمّی از جغرافیای جنگ تحمیلی را با جزئیّاتش به ما نشان داده است. ما از روستاهای مرزی در دوران جنگ و مصائب فراوان آنان و آوارگی‌ها و گرسنگی‌ها و خسارتهای مادّی و ویرانی‌ها و داغ عزیزان آنها، هرگز به این وضوح و تفصیلی که در این روایت صادقانه آمده است، خبر نداشتیم؛ و نیز از فداکاری جوانان آنان که در شمار اوّلین شتابندگان به مقابله با دشمن مهاجم بودند. ماجرای قتل و اسارت دشمن به دست این بانوی دلاور هم که خود یک داستان مستقل و استثنائی است که نظیر آن فقط در سوسنگرد، در همان اوان، اتّفاق افتاده بود. بانو فرنگیس را باید بزرگ داشت و از نویسنده‌ی کتاب -خانم فتّاحی- به‌خاطر قلم روان و شیوا و هنر مصاحبه‌گیری و خاطره‌نویسی، باید بسیار تشکّر کرد.** | **خاطرات فرنگیس حیدرپور اثر برگزیده جایزه کتاب سال دفاع مقدس به قلم مهناز فتاحی است که به روایت خاطرات زنی شجاع که در مقام دفاع توانست سرباز دشمن را اسیر کند و نیروی دشمن را به خاک و خون بکشاند، می‌پردازد. رهبر انقلاب در سفرشان به کرمانشاه به این بانوی بزرگ اشاره کرده بودند و بر ثبت خاطراتش تاکید داشتند. فرنگیس حیدرپور زنی کرمانشاهی است که از قضا در روستایی نزدیک گیلان غرب زندگی می‌کند، رفتارش پر ابهت‌تر از تندیس تبر به دستش در کرمانشاه و دلی مهربان دارد. فرنگیس برای سالیان سال خسته و کلافه از دوربین و مصاحبه زیر بار تعریف خاطراتش نمی‌رفت تا اینکه بالاخره در این کتاب حاضر به روایت بخشی از حوادثی شد که در طی سالیان جنگ بر وی گذشته است. در سال 1359 پس از حمله عراق به روستای اوازین، مردم به دره‌های اطراف فرار می‌کنند. فرنگیس که در آن زمان 18 سال داشت شب هنگام همراه برادر و پدرش جهت تهیه غذا به روستا باز می‌گردند. اما در طول راه پدر و برادر فرنگیس ضمن درگیری با عوامل عراقی کشته می‌شوند و فرنگیس در پی برخورد با دو سرباز عراقی بدون داشتن سلاح گرم، با تبر پدرش با سربازان درگیر شده، یکی را کشته و دیگری را با تمام تجهیزات جنگی اسیر می‌کند و به مقر فرماندهی ارتش ایران تحویل می‌دهد. کتاب فرنگیس در 12 فصل تنظیم شده که با یک مقدمه شروع می‌شود و پایان‌ بخش آن «کلام آخر» است. فصل اول به دوران کودکی راوی می‌پردازد که در آن از جنگ و پیامدهای آن خبری نیست اما سایه فقر و محرومیت در جایی که فرنگیس و خانواده‌اش زندگی می‌کنند به خوبی مشهود است. او در این فصل ماجرایی را تعریف می‌کند که قرار بوده به‌ رغم مخالف خود به عقد یک مرد عراقی در شهر خانقین درآید که با دخالت گرگین‌خان، از بزرگان فامیل از اتفاق ناخواسته پیشگیری می‌شود. در فصل دوم، خواستگاری از روستای مجاور، گورسفید، برای فرنگیس می‌آید که این بار ازدواج صورت می‌گیرد و او با مردی به نام علیمردان زندگی مشترکی را شروع می‌کند. فصل بعدی نشان می‌دهد این زن و شوهر جوان زندگی نسبتا خوشی را آغاز می‌کنند اما در ادامه که شرح آن در فصل چهارم آمده، اول زندگی مشترک این زوج جوان با آغاز جنگ تحمیلی حکومت بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران هم‌زمان شده و نیروهای متجاوز عراقی خیلی زود از مرزها گذشته و به روستای آن‌ها نزدیک می‌شوند. گروهی از مردهای روستا برای مقابله با دشمن به خط مقدم می‌روند و گروهی دیگر که برای سراغ گرفتن از آن‌ها راهی می‌شوند همگی به شهادت می‌رسند. زنان و مردان باقی مانده در روستا به کوه‌های اطراف پناه می‌برند و به این صورت صحنه‌های دهشتناک جنگ و مقاومت و حماسه‌ آفرینی زنان و مردان غیور مناطق مرزی از جمله خطه گیلان‌غرب به ویژه فرنگیس و خانواده‌اش یکی پس از دیگری خود را نشان می‌دهد. فرنگیس در یکی از این صحنه‌ها و هنگامی که از پناهگاهی در کوه‌های اطراف روستا به خانه برگشته تا آذوقه بردارد، در بازگشت با 2 سرباز عراقی مواجه می‌شود که یکی از آن‌ها را با تبر می‌کشد و دیگری را اسیر می‌کند. در فصل‌های بعدی کتاب، دوران آوارگی فرنگیس و خانواده‌اش و دیگر ساکنان روستاهای مناطق مرزی روایت می‌شود که چندین بار محل اسکان خود را تغییر می‌دهند. بارها به روستا باز می‌گردند اما هر بار با بمباران‌های بی‌وقفه دشمن مواجه شده و تعدادی شهید و مجروح می‌شوند. تعدادی از اعضای خانواده فرنگیس هم در این وقایع شهید و مجروح می‌شوند. علاوه بر بمباران‌های دشمن، برخورد کودکان و نوجوانان و اهالی روستاها با مین هم بارها حادثه‌ساز می‌شود. با توجه به موقعیت جغرافیایی محل سکونت فرنگیس و خانواده‌اش، او صحنه‌هایی از دوران دفاع‌ مقدس را روایت می‌کند که جزو وقایع اصلی جنگ در آن دوران محسوب می‌شدند. از جمله بمباران‌های بی‌وقفه روستاهای اطراف گیلان غرب، حمله منافقین به اسلام‌ آباد و عملیات مرصاد و دیگر وقایعی که جزو حوادث فراموش‌ نشدنی آن دوران هستند؛ همچون سفر مقام معظم رهبری به استان کرمانشاه که در آن سفر مقام معظم رهبری به شهر گیلان غرب هم می‌روند و فرنگیس موفق می‌شود با رهبر معظم انقلاب دیدار کند.** |
|  | **فرهنگ جبهه: شوخ طبعی‌ها** | **مهدی فهیمی، محسن مهرآبادی** | **سروش** | **«وقتی که جلد اول کتاب شما، فرهنگ جبهه، در آمد، طبعا،ً به طور عادی، مثل بقیه منشوراتی که پیش من می‌آورند، نشستم آن را خواندم. این کتاب از بس من را جذب کرد، تا آخرش خواندم. بعد دیدم این کافی نیست، به خانه بردم و گفتم همه بنشینید این کتاب را بخوانید! در جمع خانواده، جاهایی از کتاب را خود بازکردم و خواندم. گفتم که این کتاب اصلاً باید در فضای خانه‌ها باشد و همه باید آن را همیشه داشته باشند. شما اصطلاحات کتاب فرهنگ جبهه را جمع کردید؛ این اصطلاحات خیلی ارزش دارد. مجموعه آن به صورت یک ماده‌ی خام تاریخی و به صورت یک سند تاریخی، الان در اختیار ماست. براساس سند تاریخی، کارهای گزارشی فراوانی ممکن است انجام بگیرد. چقدر خوب است ک آن کسانی که فیلم می‌سازند، یا قصه می‌نویسند، یا شعر می‌گویند، یا نمایشنامه می‌نویسند، از این نوشته‌ها و این اسناد استفاده کنند. آن وقت کارآیی این نوشته‌های شما به حد نهایت می‌رسد که در ادبیات و در هنر رایج مربوط به جنگ بیاید و به خورد آن‌ها برود؛ همچنان که آن اسم‌ها و لقب‌هایی که به آن‌ها اشاره کردید، مثل حسن بی‌ریا، خودش موضوع یک داستان است. این باید بیاید و مثل نگینی که انسان در جای مهمی آن را می‌نشاند، در جای مهمی قرار بگیرد.»** | **شاید در کنار هم قرار دادن شوخ طبعی و جبهه، کمی غیر منتظره باشد؛ اما ناب‌ترین شوخی‌ها را به شکل ساده و صمیمی در همین فرهنگ جبهه می‌بینیم که چندان به آن پرداخته نشده است. این شوخی‌ها در چهار قلمرو عبادی، جنگ و شهادت، خوردن و آشامیدن و روابط اجتماعی جای می‌گیرند و رزمندگان، بدون آشنایی نظری با سازوکار ساخت طنز، هر سه نوع طنز، یعنی کلامی، تصویری و محتوایی را به کار برده‌اند. زبان خوش، سبز، با طراوت، معطر، مهذب و لطيف داشتن، به نظر اهل جهاد و شهادت، كمترين باقيات الصالحات دوره دفاع مقدس و رزمندگان آن است. وقتي زمين و زمان در آتش التهاب و جنون دنياي ديوانه امروز زير و زبر شدند، از حق نگذشتن و از مدار عدالت خارج نشدن و به جاي سردادن آواز مشئوم در خرابه‌ها و ويرانه‌ها، آواز ياد مستان سر دادن و مرگ را نيز ملعبه و بازيچه خود ساختن، اين همه و بيشتر را مي‌توان در سطر سطر موضوعات فرهنگ جبهه خصوصا شوخ طبعي‌ها پي‌ جست.** |
|  | **گزارش یک بازجویی** | **مرتضی بشیری** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، اثر جالبی است. ابتکاری و نمونه نیز هست. توصیف‌های آن از طبیعت، حوادث جنگی، وضعیت‌های طبیعی بس زیبا است. در آن مبالغاتی در بیان و یکسونگری‌هایی در قضاوت و گاه برخی تنگ‌نظری‌ها و حتی سایه‌ای از خودستایی هست.. که می‌شود به جنبه‌های مثبت کتاب بخشیدشان .. ! در شب شنبه چهارم اسفند 69 در لحظاتی از بدخوابی عصبی مطالعه آن که لحظاتی کمابیش مشابه را قبلاً هم فرا گرفته بود به پایان برده شد.. کاش می‌فهمیدم چقدر از آن حقیقی و چقدر داستان‌سرایی است...»** | **«گزارش یک بازجویی»، حاصل مراحل بازجویی و زندگی اردوگاهی سرهنگ محمدرضا جعفرعباس الجشعمی است که توسط «مرتضی بشیری » برای دفتر ادبیات و هنر مقاومت نوشته شده است. این کتاب 38 صفحه‌ای برای اولین بار درسال 1369 چاپ شد و مقام معظم رهبری در چهارم اسفند همان سال آن را مطالعه کرده و تقریظی بر آن نوشتند.** |
|  | **گلستان یازدهم** | **بهناز ضرابی‌زاده** | **سوره مهر** | **بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم این روایتی شورانگیز است از زندگی سراسر جهاد و اخلاصِ مردی که در عنفوان جوانی به مقام مردان الهی بزرگ نائل آمد، و هم در زمین و هم در ملأ اعلیٰ به عزّت رسید. هنیئاً له.راوی -شریک زندگی کوتاه او- نیز صدق و صفا و اخلاص را در روایت معصومانه‌ی خود به‌روشنی نشان داده است. در این میان، قلم هنرمند و نگارش آکنده از ذوق و لطف نویسنده است که به این همه، جان داده است. آفرین بر هر دو بانو؛ راوی و نویسنده‌ی کتاب.** | **«گلستان یازدهم» خاطرات زهرا پناهی‌روا، همسر سردار شهید علی چیت‌سازیان، به قلم بهناز ضرابی‌زاده است. این کتاب با زبانی صادقانه به شرح زندگی یک ‌سال و هشت‌ماهة مشترک شهید چیت‌سازیان و همسرشان پرداخته است. فرمانده‌ای که در جبهه به دلیل مهارت‌های رزمی و شجاعتش به عقرب زرد معروف بود، در خانه با مادر و همسرش به اندازه‌ای با مهر و محبت رفتار می‌کرد که گویی این قلب رئوف هیچ‌گاه سابقه حضور در حرب و قتال را نداشت. «گلستان یازدهم» به زیباترین شکل توانسته‌ است قسمت مهمی از نیمه پنهان زندگی شهید چیت‌سازیان را به مخاطبان معرفی کند.** |
|  | **لشکر خوبان** | **معصومه سپهری** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، این نیز بخشی از آن تصویر عظیم و باشکوهی است که ما همواره آن را از دور دیده و تحسین کرده و بزرگ شمرده‌ایم بی‌آنکه از ریزه‌کاری‌ها و نقش‌های معجزآسای تشکیل دهنده آن و رنگ آمیزی‌های بی‌نظیر جزء جزء آن، به درستی خبر داشته باشیم. این کتاب شرح این ریزه‌کاری‌های حیرت‌انگیز در بخشی از این تابلوی ماندگار و تاریخی است. آنچه درباره عملیات بدر و والفجر 8 و کربلای 5 و کربلای 4 و بیت المقدس 2 و 3 در این کتاب آمده از بخش‌های برجسته‌تر آن است.همچنین مجاهدت‌ها در کوه‌های غرب؛ در ماووت و گرده‌رش و قامیش دیگر آن بلندی‌های سخت، و نیز آنچه به یگان‌ها و دستجات اطلاعات و غواص مربوط می‌شود و نیز بخش‌های دیگری از آن در خور آن است که در شکل فیلم و رمان عرضه شود. فروردین92»** | **رضایی در این کتاب به کوشش ذهن تیز و حافظه قوی خود جزئیاتی شگفت‌انگیز و جذاب از عملیات‌های موسوم به شناسایی را در دوران دفاع مقدس روایت کرده و صحنه‌هایی را توصیف می‌کند که در کمتر اثری از این دست می‌توان دید. این خاطرات اما از سوی دیگری نیز قابل توجه است. رزمندگان دفاع مقدس در واحد اطلاعات عملیات به اصطلاح چشم رزمندگان بوده‌اند و مسئولیت هدایت نیروهای خط‌شکن را بر عهده داشته‌اند و در اوج گمنامی و غربت به شهادت رسیده‌اند و لشکر خوبان راوی این صحنه‌هاست. کتاب «لشکر خوبان» در 27 فصل تدوین شده است. راوی در ابتدا پس از شرح نحوه حضورش در جبهه که یکی از شیرین‌ترین بخش‌های کتاب به شمار می‌رود، به شرح حضورش در عملیات فتح‌المبین و مسلم ابن عقیل می‌پردازد و در ادامه پس از بیان چگونگی ورودش به واحد اطلاعات عملیات به شرح عملیات‌های شناسایی که در آن حضور داشته، پرداخته است که از وقوع عملیات بدر تا مرصاد را در بر می‌گیرد. این کتاب همچنین در بخش پایان خود تصاویری از حضور رضایی در جبهه‌ها را نیز نشان می‌دهد.** |
|  | **مدال و مرخصی** | **هدایت الله بهبودی** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، این یکی از زیباتری اهواز و سخنان برادر معينيان فرمانده گردان از لشكر ولي‌عصر(عج) است. «بهار در آبادا‌ن»، گزارش ايثار و فداكاري و صبر مردم آبادان است و وصف شهيدي كه خواست پس از شهادت، پیکر او را در ميدان مين بيندازند تا شايد معبري براي رزمندگان بگشايد.** |  |
|  | **مقتل** | **محمد بکایی** | **سوره مهر** | **«جزوه‌ای به نام مقتل دیدم، که آن لحظه‌های حساس و تعیین کننده را شکافته بود؛ نقاطی که اصلاً مفاهیم اسلامی در آنجا خودش را نشان می‌دهد. در لشکرکشی، به عنوان کلان کار، چیزی از مفاهیم اسلامی دیده نمی‌شود. همه دنیا لشکرکشی می‌کنند. همه دنیا می‌جنگند. همه دنیا یک روز می‌برند و یک روز می‌بازند. همه گریز دارند. همه هم حمله و فداکاری دارند. اما آن‌جایی که به‌خصوص تفکر و روحیه و منش اسلامی خودش را مشخص می‌کند، جاهای خاصی است. آنجاها را جستن و روی آن‌ها تکیه کردن و آن‌ها را خوب بیان کردن، حقیقتا کار بسیار برجسته و مهمی است. خوشبختانه کارهای شما از همین قبیل است.»** | **این کتاب حاوی 7 داستان جنگی است: زیباترین شعر، داستانِ سید مجتبی، رزمنده‌ی شاعری است که با رزمنده‌ی دیگری برای حفر گودالِ کمین به نزدیکی دشمن می‌رود و به شهادت می‌رسد. مقتل، ماجرای محاصره شدنِ عدّه‌ای رزمنده، کتک خوردن، شهادت و اسارت است و مقایسه‌ آن با وقایع کربلاست. تنِ خیس قمیش، داستان رزمنده‌ای با جثه‌ی نحیف و کم طاقت در برابر سرماست و رشادت وی در برابر تانک دشمن و انهدام آن و سرانجام، شهادت. آن سوی آب، داستان شهادت یاران یک فرمانده در منطقه‌ هور است. تپه‌ 694 ، ماجرای محاصره شدن رزمندگان در تپه 694 است و مقاومت و شهادت عدّه‌ای از آنها و رسیدن نیروهای کمکی و عقب‌نشینی دشمن. پاهای گلی، درباره‌ عملیات شلمچه، ذکر رشادت‌های شهیدی به نام عباّس در مناطق نهر جاسم، نهرِ دوئیجی و کانال پرورش ماهی و شرح رشادت‌ها و شهادت‌های رزمندگان است. عزیز، رزمنده‌ای شوخ طبع ولی تعمیرکاری ماهر است که وقتی برای کاری به خط مقدّم می‌رود، همه از فرمانده تا رزمندگان عادی جای خالی او را حس می‌کنند. این مجموعه داستان در سال 1369 برنده جایزه اولین دوره کتاب سال دفاع مقدس شد.** |
|  | **من زنده‌ام** | **معصومه آباد** | **بروج** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، کتاب را با احساس دوگانه اندوه و افتخار و گاه از پشت پرده اشک، خواندم و بر آن صبر و همت و پاکی و صفا، و بر این هنرمندی در مجسم کردن زیبائی‌ها و زشتی‌ها و رنج‌ها و شادی‌ها آفرین گفتم. گنجینه یادها و خاطره‌های مجاهدان و آزادگان، ذخیره عظیم و ارزشمندی است که تاریخ را پربار و درس‌ها و آموختنی‌ها را پرشمار می‌کند. خدمت بزرگی است آنها را از ذهن‌ها و حافظه‌ها بیرون کشیدن و به قلم و هنر و نمایش سپردن. این نیز از نوشته‌هایی است که ترجمه‌اش لازم است. به چهار بانوی قهرمان این کتاب بویژه نویسنده و راوی هنرمند آن سلام می‌فرستم. 5/ 7/92»** | **کتاب‌های زیادی هستند که حال و هوای دفاع مقدس را زند ه می‌کنند، همانطور که تعداد قابل توجهی کتاب، به نقش زنان در دفاع مقدس می‌پردازند، از میان این کتاب‌ها برخی هم به زندان‌ها و اردوگاه‌های عراق سرک کشیده‌اند تا روایتگر، حال روز اسرای ایرانی در دوران سخت اسارت باشند، اما بین همه این کتاب‌ها شاید خیلی کم باشند آنهایی که دوران اسارت زنان ایرانی در چنگال بعثی‌ها را به تصویر بکشند. اصلاً شاید خیلی‌ها با خواندن این جمله این سوال را بپرسند که مگر در میان اسرای ایرانی زنی هم وجود داشته است؟ پاسخ کوتاه سوال بالا یک کلمه است: «بله ». اما برای شنیدن پاسخ تفصیلی‌اش باید زحمت خواندن یک کتاب 550 صفحه‌ای به نام «من زنده‌ام » را به خود هموار کرد. خواندن حکایت اسارت، رنج‌ها، امیدها و تلاش‌های یک دختر هفده ساله ایرانی در طول چهار سال اسارت در عراق آنقدر جذابیت دارد که بتوان کتاب را تند و تند ورق زد و کلماتش را بلعید. 116 صفحه ابتدایی کتاب شرح حال راوی از کودکی تا شروع جنگ است. کارگر بودن پدر راوی در شرکت نفت قبل از انقلاب و خیلی دلایل دیگر باعث شده تا این بخش از کتاب نکات جذاب زیادی برای خواندن و آشنا شدن با زندگی مردم آن روزگار داشته باشد. اما از اینجا به بعد و با آغاز جنگ بخش اصلی آغاز می‌شود و چون راوی در همان روزهای ابتدایی اسیر شده است، خواننده هم خیلی زود همپای راوی از بیابان‌های گرم خوزستان به زندان الرشید و بعد موصل و... سفر می‌کند. «من زنده‌ام» حتما یکی از کتاب‌های مهم تاریخ دفاع مقدس است؛ چرا که بخشی را روایت می‌کند که شاید حتی تصورش هم ممکن نباشد، چه رسد به تحمل چهارساله‌اش.** |
|  | **نجیب** | **محمدجواد جزینی** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، روحیات بسیج این پدیده استثنایی دوران جنگ در این کتاب، خوب تصویر شده است: شجاعت، پاکدلی، روح دینی، شوخ طبعی و .. در بدخوابی شب سه‌شنبه 70/9/19 مطالعه شد.»** | **این کتاب مختصر و کم حجم، اما خواندنی، مجموعه‌ای است از هفت داستان کوتاه چهار- پنج صفحه‌ای که «نجیب » نام یکی از همین داستان‌های کوتاه است. هرچند تقریبا هر کدام از داستان‌ها به قلم نویسنده‌ای متفاوت از دیگر داستان‌ها نگاشته شده است، اما در تمام آنها، در قالب اتفاقاتی گاه ساده، روحیات بسیجی و دلنشین جوانان مبارز در دفاع مقدس به خوبی نمایان گشته است و همین کوتاهی، سادگی و در عین حال جذابی، خواننده را تا آخر کتاب با خود می‌کشد. گفتنی است «محمدجواد جزینی » دو داستان از این کتاب حدود سی صفحه‌ای را به قلم طبع آراسته است.** |
|  | **نورالدین پسر ایران** | **معصومه سپهری** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، این نیز یکی از زیباترین نقاشی‌های صفحه‌ پُرکار و اعجازگونه‌ی هشت سال دفاع مقدس است. هم راوی و هم نویسنده حقاً در هنرمندی، سنگ تمام گذاشته‌اند. آمیختگی این خاطرات به طنز و شیرین‌زبانی که از قریحه ذاتی راوی برخاسته و با هنرمندی و نازک‌اندیشیِ نویسنده، به خوبی و پختگی در متن جا گرفته است، و نیز صراحت و جرئت راوی در بیان گوشه‌هایی که عادتاً در بیان خاطره‌ها نگفته می‌ماند، از ویژگی‌های برجسته این کتاب است. تنها نقصی که به نظر رسید نپرداختن به نقش فداکارانه‌ی همسری است که تلخی‌ها و دشواری‌های زندگی با رزمنده‌ای یک‌دنده و مجروح و شلوغ را به جان خریده و داوطلبانه همراهی دشوار و البته پر اَجر با او را پذیرفته است. ساعات خوش و با صفایی را در مقاطع پیش از خواب با این کتاب گذراندم. والحمد لله 20 / 10 /90»** | **«نورالدين پسر ايران» كتاب خاطرات كسي است كه بي‌تعارف و بدون ترديد، هشت سال در متن جنگ زندگي كرده و امروز براي ماندگاري آن لحظه‌هاي بي‌نظير از خاطراتش گفته است. روايت خاطرات سيد نورالدين، سخت شيرين و خواندني است. تلاش نويسنده براي حفظ ملاحت و طنز مستتر در لاكم نورالدين نيز قابل توجه و شايان تحسين است.كتاب «نورالدين پسر ايران » اگرچه به خاطرات یک نوجوان خطه‌ي آذربايجان پرداخته است، اما در جاي جاي كتاب ويژگي‌هاي «فرزند ايران بودن » نورالدين كاملاً پيدا است؛ ويژگي‌هايي چون صفا و صميميت، صداقت و صراحت، سادگي و بي‌تكلفي، سر نترس داشتن و شهادت‌طلبي كه به‌ خوبي هم تصوير شده است. اين‌ها خُلقيات و صفات تمام فرزندان ايران بود كه در جبهه‌هاي نبرد حاضر بودند. براي ورود به كتاب، حتي بد نيست كه از مرور عكس‌هاي آخر كتاب شروع كنيم. عكس‌هاي نورالدين و همرزمانش كه به ترتيب زمان و تاريخ عكس‌ها پشت سر هم چيده شده‌اند، همه‌ي ماجراي نورالدين از آغاز تا كنون را مانند یک سرآغاز و یک روايت بصري بازگو مي‌كنند. پس از آن بايد سراغ متن كتاب رفت كه بسيار روان و شيوا و ضمناً متعهد به استناد و حتي لحن صاحب خاطرات، روايت شده است.** |
|  | **نونی صفر** | **سید حسن شکری** | **سوره مهر** | **«شهید محمد شکری که نوشته‌های لحظه به لحظه‌اش از چند عملیات، در شمار نورانی‌ترین یادگارهای دفاع مقدس است، گویا برادر مؤلف این کتاب است و از او در چند جا از کتاب «خط فکه» نام برده است. اکنون این برادر رزمنده و زنده در خلال آنانکه کتابش به آنها تقدیم شده، نام برادر شهیدش را نگنجانیده است ... زهی کرامت و بزرگواری ... برادر دیگری هم از او قبلاً بر مسند شهادت تکیه کرده بوده است: شهید سید علی شکری. اللهم احشرنا مع هولاء فی الدنیا والآخره.این نیز از جمله‌ی سندهای دقیق دوران دفاع مقدس است که باید از نویسنده‌ی آن بسیار متشکر بود. صفا و معنویت در این کتاب موج می زند.»** | **کتاب «نونی صفر» مشتمل بر خاطرات سید حسن شکری از ایام حضور در جبهه‌های جنگ ایران و عراق است. وی در این خاطرات به چگونگی رزم در مناطق جنگی فاو، ام‌القصر، مهران، کانال پرورش ماهی و عملیات‌های والفجر ۸ (سه‌راه نمک)، کربلای ۱ (سنگ‌شکن) و عملیات تکمیلی کربلای ۵ (نونی صفر) پرداخته است. سید حسن شکری، چهره‌ای است که منوّرهای زیادی او را دیده‌اند. این جوان خوش قد و بالا از بچه‌های گردان حبیب‌بن‌مظاهر بوده است. سید حسن شکری نام کتابش را هم به نام یکی از همین عملیات‌ها «نونی صفر» گذاشته است. در کتاب به طور مفصل و جزءبه‌جزء به شرح سه عملیات پرداخته می‌شود. ابتدا به عملیات والفجر ۸ می‌پردازد و در ادامه، عملیات کربلای ۱ (سنگ‌شکن) را توضیح می‌دهد و در قسمت پایانی کتاب به عملیات تکمیلی کربلای ۵ (نونی صفر) پرداخته است. این عملیات در ١٠ اسفند ۱۳۶۵ با رمز «یا فاطمه‌الزهرا(س)» برای تصرف کانال نونی صفر که تاکنون چند گردان برای تصاحب آن متلاشی شده بودند، آغاز می‌شود. شکری در این عملیات از ناحیه دست مجروح می‌شود و برادرش سید محمد شکری هم شهید می‌شود. سید حسن شکری در این کتاب به تفصیل آمادگی‌های قبل از عملیات، رزم‌های شبانه، مراحل مختلف عملیات و مناطق عملیات را توضیح می‌دهد. علاوه بر این، ایشان مناجات‌های عاشقانه و بی‌قراری‌هایشان برای استقبال از مرگ، توسل‌ها و دعاهایشان، پرپرشدن هم‌رزمانش را هم به زیبایی توصیف کرده‌ است.** |
|  | **وقتی مهتاب گم شد** | **حمید حسام** | **سوره مهر** | **بسم الله الرّحمن الرّحیم بچّه های همدان؛ بچّه های صفا و عشق و اخلاص؛ مردان بزرگ و بی ادّعا؛ یاران حسین (علیه السّلام)؛ یاوران دین خدا .. و آنگاه مادران؛ مردآفرینان شجاع و صبور ... و آنگاه فضای معنویّت و معرفت؛ دلهای روشن، همّتها و عزمهای راسخ؛ بصیرتها و دیدهای ماورائی .. اینها و بسی جویبارهای شیرین و خوشگوار دیگر از سرچشمه ی این روایت صادقانه و نگارش استادانه، کام دل مشتاق را غرق لذّت می‌کند و آتش شوق را در آن سرکش‌تر می‌سازد. راوی، خود یک شهید زنده است. تنِ بشدّت آزرده ی او نتوانسته از سرزندگی و بیداری دل او بکاهد، و الحمدلله ربّ العالمین. نویسنده نیز خود از خیل همین دلدادگان و تجربه دیدگان است. بر او و بر همه ی آنان گوارا باد فیض رضای الهی؛ ان شاء الله. درباره ی نگارش این کتاب، آنچه نوشتم کم است؛ لطف این نگارش بیش از اینها است. مقدّمه ی کتاب یک غزل به تمام معنی است. ۹۵/۱۰/۱۸** | **«وقتی مهتاب گم شد» قبل از آنکه شرح زندگی علی خوش لفظ باشد، روایتی عینی از یک واقعه ی تاریخی است که موجب شد سرنوشت خیل وسیعی از مردمان ایران تغییر کند. علی خوش لفظ که نامش را به‌خاطر نزدیکی تولدش با ولیعهد پهلوی، جمشید گذاشته اند، سال ها بعد در نوجوانی، هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی خود نیز دچار تحول و دگرگونی در اهداف و آرمان ها می شود. همین انقلاب درونی باعث می شود که او در اولین اعزام به جبهه نام خود را به علی خوش لفظ تغییر دهد و سرانجام زندگی اش هم تغییر کند. علی پانزده ساله در عنفوان جوانی با اصرار فراوان خود به جبهه اعزام می شود و آنجاست که درمی یابد شهادت ارمغانی است که با ترک خود به دست می آید، اما گویی قرار است علی خوش لفظ با تنی مجروح و خسته زنده بماند، تا سال ها بعد ماجرای وصل حدود هشتصد دوست و برادرش را برای ما روایت کند.**  **کتاب «وقتی مهتاب گم شد» را می توان در همان سه شرطی که راوی قبل از انتشار کتاب برای نویسنده گذاشت خلاصه کرد؛ جایی در مقدمه که نویسنده در وصف علی خوش لفظ می نویسد :در قید و بند لفظ و تکلف گفتار و آرایه های کلامی نیست و به شدت دور از بزرگ نمایی و ریب و ریا و صادق در روایت و دقیق در نقل حوادث. لذا با صاحب این قلم، چند شرط را برای بازنویسی و نگارش خاطراتش گذاشته است. اول اینکه قول بدهم اگر برای خدا نیست ننویسم. دوم اینکه برای تائید مطالب، به ویژه فراز و نشیب ها در عملیات ها یا چند و چون گشت و شناسایی ها مطالب را از چند همرزم دیگر بپرسم و اگر تایید کردند، بنویسم، و سوم اینکه به روایت او چیزی نفزایم که شائبه تخیل پیدا نکند.** |
|  | **همپای صاعقه** | **گلعلی بابایی و حسین بهزاد** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، این یک کتاب منبع بسیار غنی و ارزشمند است که از آن می‌توان ده‌ها کتاب و فیلمنامه و زندگینامه استخراج کرد. لحظات و حالات ثبت شده در سراسر این کتاب، همان ظرافت‌های حیرت‌انگیزی است که از مجموع آن، تابلوی پرشکوه و با عظمت عملیاتی چون فتح‌المبین و بیت‌المقدس پدید آمده و برترین‌های هنر جهاد و ایثار و شجاعت و ابتکار را در مجموعه نمایشگاه بی‌نظیر هنرهای انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد. این مردان بزرگی که نام آنها بسی آسان بر زبان و دل غافل ما می‌گذرد از جنس همان اِخوان صفا و فرسان هیجائند که سید شهیدان سلام‌الله علیه آنها را با عظمت و سوز و مهر، مخاطب ساخت و از فقدان آنان غمگین بود. سلام خدا و بندگان برگزیده و فرشتگان و رسولان او نثار روح مطهر آنان باد.در روز و شب‌هایی از آبان و آذر 86 صفحه به صفحه و سطر به سطر مطالعه و نیوشیده شد.»** | **«همپاي صاعقه » كارنامه‌اي تاريخي و مستند از شكل‌گيري لشكر 27 محمد رسول الله(ص) است. روايتي از یک مقطع زماني شش ماهه از جنگ تحميلي. از ابتداي دي ماه 1360 تا اواخر تيرماه گرم سال 61 . موضوع اصلي كتاب به شکل مستند مراحل آغازين تاسيس تيپ نظامي محمد رسول الله است و نقش اين تيپ را در دو عمليات بزرگ فتح‌المبين، بيت‌المقدس و لبنان بيان مي‌كند. نويسندگان كتاب كه خود از رزمندگان لشکر بيست و هفتم محمد رسول الله (ص) بوده و هستند بي‌آنكه خود به روايت ماجرا بپردازند، از زبان و بيان فرماندهان مفقود و شهيد تيپ به روايتگري قصه‌ي جنگ پرداخته‌اند. بهزاد و بابايي در یک تلاش مشترك چهار ساله نخستين كتاب از مجموعه پژوهشي تاريخي خود، با عنوان اصلي «حماسه »27 را به بازشناسي دوران فرمانده‌ زنده ‌یاد حاج احمد متوسليان اختصاص داده‌اند. فارغ از وجود مصاحبه و ثبت خاطرات كمتر شنيده شده رزمندگان، متن مكالمات رو در روي فرماندهان و خواندن متن مكالمه شهيد همت با حاج احمد متوسليان، متن مذاكرات و تماس‌هاي مخابراتي و بيسيم كه جذابيت درخوري براي مخاطب رقم زده است. متن روايي و داستاني كتاب و كنار هم قرار گرفتن اسناد در دل حوادث، مخاطب را مشتاقانه به صفحات بعد راهنمايي مي‌کند. «همپاي صاعقه » در 14 فصل غير از موارد پيش‌گفته اسناد و عكس‌هايي را هم به ضميمه خود دارد.** |
|  | **هنگ سوم** | **مجتبی الحسینی/ ترجمه محمد حسین زوار کعبه** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم در روزها و شبهای اوائل آبان 70 این کتاب مطالعه شد. موضوع، برای ما که این سوی خطه نبرد را دید هایم، قهراً جالب است. اما نوشته از لحاظ بازسازی صحنه‌ها و ترسیم حالات و خصوصیات، ضعیف است. نویسنده البته یک نویسنده‌ی حرف‌های نبوده است، امّا همین که فرصت کرده در گرفتاری جنگ، یادداشت‌هایی بردارد سپس از حافظه خود کمک بگیرد و دیده‌ها را در دوران اسارت بر روی کاغذ بیاورد، بسی موجب تقدیر است. ترجمه خوب است.»** | **هنگ سوم، خاطرات یک پزشک اسیر عراقی است. دکتر «مجتبی الحسینی »، در قالب یک پزشک اسیر، کتابچه‌ای از خاطرات خود را به رشته تحریر در آورد تا سندی گویا بر مظلومیت ملت و انقلاب اسلامی ایران باشد و حقیقت جنگ را، که براساس تمایل و برنامه‌ریزی آمریکا و با کمک‌های بی‌دریغ مالی عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس و حماقت صدام و حزب بعث به وقوع پیوست، برای جهانیان روشن‌تر سازد. این کتاب 348 صحفه‌ای را در تابستان 1370 ، انتشارات سوره مهر به زیور طبع آراست و در اوایل آبان ماه همان سال، مقام معظم رهبری آن را مطالعه کردند و تقریظی بر آن نوشتند.** |
|  | **یاد یاران** | **حمید داوودآبادی** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، در این نوشته صفا و صداقت زیادی موج می‌زند. نویسنده غالبا نقش خود را کمرنگ کرده و یاد یاران شهیدش را برجسته ساخته است. روحیه بسیجی تقریباً با همه جوانبش در اینجا منعکس است، و می‌شود فهمید که چگونه جوان‌هایی در کوره گداخته جبهه به چه جواهرهای درخشنده‌ای تبدیل می‌شده‌اند. ذکر خصوصیات موقع‌ها و حادثه‌ها و آدم‌ها، تصویر باورنکردنی جنگ هشت ساله را تا حدود زیادی در برابر چشم آیندگان می‌گذارد. سؤال من از خودم این است که آیا این از معراج برگشتگان چقدر می‌توانند آن حال و هوا را پس از سفر من‌الحق الی‌الخلق حفظ کنند و حتی درست به یاد بیاورند؟ و برای این مقصود عالی از دست ما چه کاری ساخته است؟ و چه کرده‌ایم؟ البته قصور یا تقصیر من و امثال من، نمی‌تواند تکلیف دشوار آنها را که خدا حجّت خود را برایشان تمام کرده، از دوششان بردارد. این کتاب با روح طنز و مزاحی که در همه جای آن گسترده است و به آن شیرینی و جاذبه‌ی ویژه‌ای بخشیده، از بسیاری کتاب‌های جبهه جالب‌تر و گیراتر است. آن را در شب و روزهای منتهی به بیستم ماه رمضان 1412 (1/ 5/ 71 ) خواندم. »** | **این کتاب با روح طنز و مزاحی که هرجای آن گسترده است و بر آن شیرینی و جاذبه ویژه‌ای بخشیده، از بسیاری کتاب‌های جبهه جالب‌تر و گیراتر روحيه و حال و هواي بچه‌هاي بسيج را تصوير كرده و از ويژگيهاي خوب اين كتاب تصويرسازي خوبش از فضا و رويدادها است.** |
|  | **یادداشت‌های خرمشهر** | **شهید بهروز مرادی** | **سوره مهر** | **«بسم الله الرحمن الرحیم، خدا غریق رحمت کند این شهید عزیز را که در سال‌های منتهی به 64 یعنی در بحبوحه شور و هیجان دفاع مقدس و بسیج سراسری ملت در این راه، دردمندانه، نقاط منفی را به نظر آورده و از آن نالیده و دم از غربت رهروان راه جهاد زده است! بعضی امروز گمان می‌کنند که راه خدا غریب است، یعنی حقیقت روشن اصلی را که همان حرکت عمومی در راه خیر و صلاح است در برابر واقعیت زشت کجروی‌های گاه‌گاهی و جابه‌جایی کمرنگ می‌بینند. اما این گمان همیشه بوده حتی در سال 64 و پیش از آن. و البته چنین نگرشی در جمهوری اسلامی همیشه نادرست بوده و ان‌شاءالله همیشه نادرست خواهد بود. 9/ 11 /70»** | **این کتاب مجموعه یادداشت‌ها و نامه‌های شهید بهروز مرادی است. بهروز مرادی اصالتا اصفهانی بود اما در خرمشهر بزرگ شد و هنگام آغاز جنگ با بقیه رزمندگان در دفاع از خرمشهر همراه شد. بهروز نقاش زبردستی بود. تابلوی معروف «به خرمشهر خوش آمدید. جمعیت، 35 میلیون نفر » از کارهای خلاقانه اوست.** |
|  | **یادداشت‌های ناتمام** | **علی سمندریان و ...** | **سوره مهر** | **«از این چهار نوشته، سومی را که به قلم شهید سید محمد شکری است، قبلاً در جزوه مستقل خوانده بودم، از اولی که به قلم شیوا و سرشار از صفای شهید سمندری است ذکری در « حَنابندانِ » قدمی که یکی از شیواترین نوشته‌های مربوط به جبهه است رفته بود و با آن آشنایی دورادوری داشتم. آن را خواندم و حقیقتا محظوظ شدم. خدا این هر دو شهید را در سرادق ملکوت همنشین اولیاء فرماید. نوشته کمال سپاهی هم شیرین و خواندنی است هر چند آن جاذبه دو نوشته‌ی دیگر را ندارد. درباره نوشته آخر هم دو سه جمله در ابتدای آن نوشته‌ام. خداوند به همه‌شان جزای خیر بدهد. شب پنج‌شنبه 8 اسفند 70 . شعبان 1412»** | **«یادداشت‌های ناتمام » یادداشت‌های روزانه شهید از پنج عملیات است. اما در این کتاب مخاطب فقط با چهار دفتر او از عملیات‌های والفجر یک، بدر ، والفجر هشت و کربلای یک روبه‌رو می‌شود. دفتر پنجم با عنوان «عملیات تکمیلی کربلای »5 در تیرماه سال 1380 گم شده است. زهرا یزدی‌نژاد، گردآورنده کتاب هم بدون دخل و تصرف، یادداشت‌ها را در کتاب گنجانده است.** |
|  | **یاور صادق** | **حسین نیری** | **فاتحان** | **«این کاری که اخیرا شروع شده که از شماها با این جزئیات و ریزه‌کاری‌ها خاطرات می‌گیرند، این هم کار خیلی خوبی است. ما دو جلد از این کتاب‌های شما را خواندیم، یکی کتاب آقای بنائی را خواندم یکی هم کتاب این حاج آقای عباس دست طلا را که مفصل و با جزئیات خواندم. خیلی خوب بود انصافا، مخصوصا کتاب ایشان. هم مطلب در آن زیاد بود هم آثار صفا و صداقت در آن کاملا محسوس بود و انسان می‌دید. خداوند ان‌شاءالله فرزند شهید ایشان را با پیغمبر محشور کند و خودشان را هم محفوظ بدارد.»** | **این کتاب به خاطرات «محمدصادق بنایی» در طی سال‌های انقلاب و دفاع مقدس می‌پردازد. بنایی یکی از بازاریان قدیمی بوده که از قبل از انقلاب با رهبر انقلاب رابطه‌ای نزدیک و دوستانه داشته است که بخشی از این کتاب، به خاطرات بنایی از مقام معظم رهبری می‌پردازد. این اثر با هدف چاپ کتاب‌هایی از افرادی که زمان جنگ، شغل آزاد داشته‌اند و روشن کردن بخشی از جنبه‌های پنهان مانده هشت سال دفاع مقدس تدوین شده است. کتاب حاضر، حاصل گفت‌وگوی بیست ساعته با ایشان است که بخشی از آن در شهر خامنه زادگاه حاج صادق بنایی- انجام گرفته است. مطالب اثر در سیزده گفتار تنظیم شده است و طی آن درباره زادگاه و خانواده، دوران تحصیل و ورود به دنیای کار صنعتی، دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای، جنگ تحمیلی و حوادث مربوط به آن، عملیات فاو و پایان جنگ سخن گفته شده است. در پایان اثر نیز به تصاویر مرتبط با زندگی «حاج محمدصادق بنایی» آورده شده است.** |